

بسم الله الرحمن الرحيم

نقدى بر مجلهى خانه و خانواده (از شماره ۱۳ تا ۸۴)

اللهم كن لوليك الحجة ابن الحسن * صلواتك عليه وعلى آبائه * في هذه الساعة وفي كل ساعة * ولياً وحافظاً وقاعداً
وناصراً ودليلاً وعيناً * حتى تسكنه أرضك طوعاً * وتمتعه فيها طويلاً

فهرست موضوعات:

مقدمه

۱- مشاوره

۲- تنظیم خانواده

۳- نبودن امنیت در مطالب

۴- عکسهای به کار رفته در مجله

۵- الگوی خیاطی

۶- مصاحبه و گزارش

۷- تزیینات

۸- زنان

۹- استفاده از مطالب دیگر

۱۰- مشاوره پزشکی

۱۱- ورزشی

۱۱-۱- چهره های ورزشی

۱۱-۲- ورزش بانوان

۱۱-۳- یوگا

۱۲- علوم مختلف

۱۲-۱- روانشناسی

۱۲-۲- طالع بینی

۱۲-۳- هیپنوتیزم

۱۲-۴- ارتباط با ارواح

۱۲-۵- پیش بینی آینده

۱۳- عناوین دینی

۱۴- عناوین ضالّه

۱۵- شبهات

۱۶- قصص

۱۷- زندگی نامه و بیوگرافی

۱۸- نویسندگان

۱۹- مطالب فرهنگی

۲۰- متفرقه

مقدمه:

با مروری بر مطالب و مقالاتی که در مجله‌ی خانه و خانواده (شماره‌های ذکر شده) به چاپ رسیده است، چنین به دست می‌آید که موضوعات و مطالب گلچین شده، نوشته‌هایی است که خوشایند خوانندگان است؛ و از گفتن حقیقت مطلب معمولاً چشم پوشی شده و تنها مطالبی به چاپ می‌رسد که در وهله‌ی اول جنبه‌ی سرگرمی و تفنّن داشته باشد و باعث لذّت عموم خوانندگان شود. و متأسفانه، از فرصتی که بر عهده‌ی رسانه‌های جمعی است استفاده‌ی نادرست شده است. نکته‌ی دیگری که در این مجله بسیار به چشم می‌خورد این است که نویسندگان، از روایات برای اثبات گفته‌های خود استفاده می‌کنند. یعنی روایت را در استخدام آرای خود می‌گیرند و نه آرای خود را در استخدام روایت. و حتی پیش آمده که در برخی موارد قسمتی از روایت، یا برداشت و تفسیر غلط، یا حتی استفاده از احادیث جعلی و بدون سند و یا با سند پیروان سقیفه به کار رفته است تا سخن ناحق را حق جلوه داده و از باورهای مذهبی مخاطب، برای اثبات رأی خود بهره بگیرند. و این امر برخلاف اینست که مقاله‌ای بر محور سخن امام نوشته شود.

شما هم با مطالعه‌ی چند شماره‌ی مجله به این نتیجه خواهید رسید که مجله یک سیر نزولی با شیب تند از لحاظ مطالب مذهبی و فرهنگی را در پیش گرفته است که به آن اشاره خواهد شد.

نکته‌ی قابل ملاحظه‌ای که در مجله به چشم می‌خورد تغییر سردبیر مجله، آقایان سعید جلوه‌گری و جمشید اثنی عشری می‌باشد که در اواسط شماره‌های ذکر شده جای خود را به خانم مریم خدادادیان می‌دهند و پس از آن سیل تغییرات گوناگون مذهبی و فرهنگی، آشکارا به چشم می‌خورد. پس از این تغییر، جنبه‌ی مذهبی مجله کاملاً حذف شده و پرداختن به امور دنیوی محض، جایگزین آن می‌شود. منکرات، هجوئیات و مطالب بی‌فایده، اساس کار مجله می‌شود؛ و در طول مطالعه‌ی شماره‌های مختلف مجله به خوبی آشکار است که رفته رفته ارزشها به ضدّ ارزش تبدیل می‌گردند؛ و گفتنی است که اشتباهات و کمبودها و نادرستی‌هایی که در شماره‌های نخستین مجله به چشم می‌خورد بسیار کم‌تر و کم‌رنگ‌تر و برخی سهوی به نظر می‌رسد. ولی در شماره‌های آخر، این کژی‌ها بیشتر و گاهی سبب گسترش عقاید و اصول مذاهب مختلف می‌شوند که عمدی به نظر می‌آید. و قطعاً اندیشه و دستی در انتخاب و نحوه‌ی نوشتن مطالب ضدّ دین و شریعت، فعال است. و اگر عمدی در کار نباشد در هر صورت این اتفاق برای مخاطبان و طرفداران مجله به وقوع می‌پیوندد و بی‌تردید در رواج فرهنگ بی‌دینی و غلط، نقش بسزایی خواهد داشت.

امید است بتوانیم با عنایات حضرت ولیّ عصر (ارواحنا له الفداء) گوشه‌هایی از عملکرد مجله را به تصویر کشیده و دسیسه‌ها و شبهاتی که در مجله به چشم می‌خورد را بازگو کنیم.

سید علیرضا حجّت هاشمی

۱۴۳۱/۱/۲۵ ه. ق

۱- مشاوره

نخستین بخشی که در مجله بیش از همه به چشم می آید بخش «مشاوره» است. بخشی که از اولین شماره‌ی مجله تا آخرین شماره‌ای که مطالعه شد ستون خود را از دست نداده است. هر چند که مؤسسات و متخصصان گوناگونی تا کنون مسئولیت این بخش را به عهده گرفته‌اند. و این در حالی است که خطرناک‌ترین بخش فرهنگی مجله همین قسمت است. چرا که مشاوران با دریافت کمترین اطلاعات از مخاطب خود و یا حتی دریافت اطلاعات نادرست و ناقص (در تمام مشاوره‌ها فرد درخواست کننده همه‌ی رفتارهای خوب و منطقی خود را بیان می‌کند و تمام اشتباهات را به گردن طرف مقابل خود می‌اندازد و گویی که وی هیچگونه تقصیری در کشیده شدن زندگی زناشویی به مرز جدایی نداشته است) و بدون بررسی جنبه‌های متفاوت مشکل پیش آمده، شروع به نوشتن نسخه و تجویز دارو کرده و راهکاری را به خوانندگان ارائه می‌نمایند. بنابراین نخست به بررسی کارنامه‌ی فعالیت این بخش می‌پردازیم.

۱-۱- در شماره‌های آغازین بطور پیوسته از طرف مشاوران به خوانندگان و مشاوره شوندگان پیشنهاد طلاق، جدایی، و حتی جلوگیری از ازدواج داده می‌شود و هرگز در مشاوره‌ها پیشنهاد و توصیه‌ی به صبر و سازش، به چشم نمی‌خورد و تنها پیشنهاد، جدایی و به گفته‌ی خود مشاور خلاص شدن از زندگی بدون خوشی دنیوی می‌باشد! همچنین افرادی به چشم می‌خورند که درخواست مشاوره برای ازدواج کرده و مشاور به روشنی او را از ازدواج باز می‌دارد و از او می‌خواهد که ازدواج خود را به تأخیر بیندازد و در مورد ازدواج بیشتر فکر کند.^۱

۱-۲- بیشتر مخاطبان بخش مشاوره، دختران جوان هستند که با طرح مشکل خود درخواست کمک می‌نمایند. (ناگفته نماند بیشتر نامه‌ها با ذکر نام و شهر مورد اقامت درخواست کننده، چاپ شده است)

۱-۳- در این بخش سن ازدواج را برای دختران ۲۳ سال و برای پسران ۲۷ سال در نظر گرفته‌اند.

۱-۴- تمام مشاوره‌ها بر اساس علوم جامعه‌شناسی و روان‌شناسی روز ارائه می‌شود. و در هیچ جای مجله نمی‌خوانیم که برای مقابله با مشکلات، صبر پیشه کردن، به خداوند توکل داشتن، و یا به پیشوایان معصوم (علیهم‌السلام) متوسل شدن پیشنهاد شود؛ در حالی که همیشه ورزش کردن، روشهای ریلکس شدن! و تمرکز و مسائلی از این قبیل پیشنهاد می‌شود. گویا در دین اسلام برای رهایی از تنگناها هیچ راهکار و چاره‌ای اندیشیده نشده است.^۲

۱- به عنوان مثال می‌توان به این نمونه‌ها اشاره کرد: شماره ۱۸، صفحه‌ی ۶؛ شماره‌ی ۲۰، صفحه‌ی ۶؛ شماره‌ی ۲۳، صفحه‌ی ۶ ...

۲- برای مثال به شماره‌ی ۲۵ داستان یک مشاوره مراجعه کنید.

۱-۵- در این مشاوره ها دست اندر کاران مجله معمولاً از عقاید و طرز فکر و مشکلات و خلاصه از زندگی خصوصی خوانندگان (که اکثراً دختران جوانی هستند که در زندگی مشترک به مشکل برخورده‌اند) آگاه می‌شوند و قطعاً نشانی و راه ارتباط با آنان در اختیار مشاوران مجله می‌باشد.

۱-۶- در هر شماره‌ای مجموعه مطالب مشاوره‌ها، پیرامون یک موضوع می‌باشند، (مثلاً در یک شماره بیشتر در مورد استرس جوانان صحبت می‌شود، در شماره‌ای مشاوره‌ها حول چگونگی مقابله با شخصی می‌باشد که مزاحمت ایجاد کرده است یا دعوی زناشویی مطرح می‌شود و یا تصمیم فرار از خانه و ...) و این بسیار شگفت‌انگیز است که در یک شماره خوانندگان مشکلات و پرسش‌های همانندی دارند. و این هم‌سویی و هم موضوعی جای درنگ بسیار دارد.

۱-۷- یک قسمت از مشاوره‌ها مربوط به «پاسخهای کوتاه» می‌باشد. در این بخش تنها پاسخ مشاور به چاپ رسیده است، بدون ذکری از پرسش مخاطب. آیا چنین پاسخ‌هایی می‌تواند بهره‌ای برای خوانندگان مجله داشته باشد؟ و به قول خود مشاوران آیا می‌تواند درس عبرتی برای خواننده‌ای باشد که از پرسش بی‌خبر بوده و پاسخ نیز برای او گنگ و نامفهوم باشد؟

۱-۸- بعضی از پرسش و پاسخ‌ها با هم مطابقت ندارند.^۱ و یا در مواردی قسمت‌های مختلف قصه با هم همخوانی ندارد.^۲

۱-۹- یکی دیگر از قسمت‌های مجله که در بخش مشاوره با عنوان «کدام راه» تدوین می‌شود داستان زندگی یکی از خوانندگان مجله است که آن را با همه‌ی جزئیات شرح داده و درخواست مشاوره دارد که به عنوان قصه و با قلم خانمها: معصومه‌ی قمی، فاطمه‌ی ابوسعیدی و ... باز نویسی می‌شود. نکته این است که چرا مشاور مجله پاسخ او را نمی‌دهد؟ او که به ظاهر مشکل خود را بسیار کامل تر و با جزئیات بیشتری نسبت به درخواست کنندگان بخش «پاسخهای مشاور» بیان داشته است. چرا پاسخ وی را به خوانندگان واگذار می‌کنند تا خوانندگان بهترین راه حل‌ها را برای او به مجله بفرستند؟

۱-۱۰- بخش «کدام راه» که یک داستان است و برای بیان مشکلات و نارسایی‌های عاطفی و برخوردهای زناشویی فراهم شده است و پی در پی تشویش و ترس از آینده را در ذهن خواننده ایجاد می‌کند. پیامدهای این بخش در یکی از شماره‌های مجله به صورت ترس و وحشت دختری از ازدواج به دلیل اینکه خود را به جای یکی از شخصیت‌های این داستانها می‌بیند، دیده می‌شود.^۳ در بازگویی خاطرات به شکل داستان ترویج فساد و فحشا موج می‌زند. مانند سرگذشت زنی که به علت زندگی کردن با خاطرات مردی دیگر زندگی خود را تباه کرد.^۴ و یا زنی که با خاطرات مردی که از دنیا رفته زندگی می‌کند و به همین خاطر هیچ وقت ازدواج نکرده و از خوانندگان جویای آن است

۱ - شماره‌ی ۳۰، صفحه‌ی ۵۹؛ شماره‌ی ۴۱، صفحه‌ی ۱۵.

۲ - شماره‌ی ۳۰، صفحه‌ی ۷۲.

۳ - شماره‌ی ۳۹، صفحه‌ی ۷۲.

۴ - شماره‌ی ۲۶.

که ازدواج کند؟ یا خیر؟^۱ و یا داستان زنی را می‌خوانیم که شب عروسی غایب بوده و به دنبال کاری خارج از خانه بوده و وقتی شوهرش از او ایراد می‌گیرد، زن اعتراض نموده و توهین می‌کند.^۲ و مواردی از این قبیل بسیار است.

۱-۱۱- گفتگوهای «دیدار با مشاور» هیچگاه از دو صفحه تجاوز نمی‌کند و حتی کمتر هم نمی‌شود. انگار که مشکلات مشاوره گیرنده و پاسخ مشکل او هیچگاه کمتر و بیشتر از این دو صفحه نمی‌شود و بیشتر شبیه ویرایش متن و حذف و اضافه کردن برای پر کردن این دو صفحه می‌باشد. متأسفانه با اینکه این گفتگوها بی‌فایده بوده و نتیجه‌ی قانع کننده و یا راهکار دقیق و کارآمدی ارائه نمی‌دهند اما مشاوره گیرنده احساس آرامش می‌کند و در جلسه‌ی دوّم یا سوّم دیدار او با مشاور و با دو خط راهکار، تمامی مشکلات او حل شده و معجزه‌ای در زندگی پر از درد و غصّه‌ی او صورت می‌گیرد.

۱-۱۲- درج پیشنهادهای خوانندگان در رابطه با سرگذشت‌ها و شرح حالی که در مجله نوشته می‌شود از دو جنبه قابل بررسی است. ۱- کسانی ارائه نظر می‌کنند که صلاحیت، دانش و تجربه‌ی لازم را ندارند ۲- از میان نظرهای متعدّد، یکی از آنها به عنوان راهکار برتر انتخاب می‌شود و به چاپ می‌رسد. این در حالی است که برخی اوقات، راهکار برگزیده راهکار نادرستی است. و جای این پرسش است که چرا از میان راهکارهای رسیده این راهکار را برگزیده‌اند؟!^۳

۱-۱۳- در شماره‌ی ۲۸ به بعد بیشتر مشاوره‌ها در رابطه با مسائل زناشویی و زندگی‌هایی است که به طلاق می‌انجامد و یا در رابطه با روابط نامشروع دختران و پسران پیش از ازدواج است که در این موارد معمولاً کمک خواستن برای برداشتن موانعی چون خانواده در مسیر وصال صورت می‌گیرد و یا در رابطه با افسردگی و شکست پس از قطع رابطه نامشروع درخواست مشاوره و راهنمایی می‌شود. وجود مشاوره‌های نادرست و سطحی در این زمینه بسیار سؤال برانگیز است.

۱-۱۴- شخصیت شناسی در گزینش همسر و مدیریت زناشویی بر اساس تست‌های روانشناسی که با بررسی آنها مشاوره‌ی لازم ارائه می‌شود.^۴

۱-۱۵- در میان یکی از پرسشهای خوانندگان بخش مشاوره به مقدّسات توهین شده است.^۵

۱-۱۶- سرگذشت دختری که قصد خودکشی دارد به عنوان مشاوره بیان می‌شود که عواطف خوانندگان را تحریک می‌کند و دربردارنده‌ی آموزش منفی و ترویج خطا و گناه در میان عموم است.^۶

۱ - شماره‌ی ۲۹.

۲ - شماره‌ی ۲۴.

۳ - شماره‌ی ۲۶.

۴ - نمونه‌ای از این تست‌ها را در شماره‌ی ۳۰ می‌توان ملاحظه کرد.

۵ - شماره‌ی ۳۴، صفحه‌ی ۹.

۶ - شماره‌ی ۳۵.

۱۷-۱- آموزش راهکارهای نادرست برای حل مشکلات در قالب پرسشها و درخواستهای مشاوره از طرف خوانندگان، یکی دیگر از مشکلات قابل بیان در این بخش می باشد.

۱۸-۱- در برخی مشاوره‌ها دیده می‌شود که شخصی درخواست کمک کرده ولی بدون دریافت پاسخی قاطع مطالب مربوط به زندگی او چاپ می‌شود. هدف از چاپ این مطلب چیست؟ چرا باید مشکلی طرح شود که پاسخی ندارد؟ برای نمونه شخصی داستان زندگی خود را اینگونه توصیف می‌کند که: زنی بوالهوس دارد که او و فرزندش را ترک کرده و پی زندگی دیگری رفته است و پس از پشیمانی بازگشته و قصد ادامه زندگی با همسرش را دارد. این مرد درخواست مشاوره کرده است که آیا کارهای زنش را به خاطر فرزندش نادیده بگیرد و دوباره با او زندگی کند؟ یا خیر؟ جواب خوانندگان به سه شکل بود. شخصی که سر دوراهی مانده با پاسخ خوانندگان، سر چند راهی گیر کرده و وا مانده است. بهترین پاسخ خوانندگان که توسط مجله گلچین شده به شرح ذیل است:

۱- او را به این خاطر که مادر فرزندش است بخشیده و به وی اجازه ادامه زندگی دهد. ۲- او لایق زندگی با چنین مردی نیست ۳- مرد زنش را بصورت مشروط دوباره بپذیرد. این اقدام مجله بیشتر شبیه فکاهی و طنز می‌باشد تا مشاوره! و اینچنین مشاوره دادن به خوانندگان جز طرح مشکل و ایجاد سؤال در ذهن آنان چیزی در بر ندارد.^۱

۱۹-۱- در یکی از شماره‌ها دختری را به دوری از خانه ترغیب کرده و برای درس خواندنش به او پیشنهاد سفر به شهرهای دیگر را دارد.^۲

۲- تنظیم خانواده

از مطالب مهمی که دست اندر کاران مجله همیشه در صدد بررسی و پرداختن به آنند مسئله‌ی تنظیم خانواده است. این ستون نیز همیشه جای خود را در میان مطالب گوناگون حفظ کرده است. تأکید بیش از حد نویسندگان به این مطلب، به صورت گزارش، اخبار، معرفی روشهای مختلف پیشگیری از بارداری، بیان ضرورت تنظیم خانواده و تشویق مردم نسبت به این امر اهمیت به‌سزایی دارد.

۲-۱- تنظیم خانواده در قرآن و سنت نکته‌ای است که به آن پرداخته شده است. این مقاله همانطور که در مقدمه به آن اشاره شد، یکی از مقالاتی است که از گرایش‌ها و افکار مذهبی مخاطبان استفاده کرده تا باطل را حق جلوه دهد. تیتراژ این مقاله به خودی خود جای بحث بسیار دارد. ضمن آن که مطالبش در خور آن نیست و با اینگونه تیترها و عناوین ذهن پرکن افکار خوانندگانی که تیتراژ به خواندن مجله می‌پردازند را منحرف می‌کنند. گرچه کسی که مطلب آن را بخواند پی می‌برد که نویسندگان نتوانسته حق مطالب را ادا کند. در این مقاله اولین استفاده‌ای که از قرآن می‌شود این است که: در قرآن آیه‌ای وجود ندارد که صراحتاً جلوگیری کردن از حاملگی را منع کرده باشد. در عین حال

۱ - شماره‌ی ۷۰، صفحه‌ی ۶۱

۲ - شماره‌ی ۲۹.

نویسنده با استناد به آیه‌ی ۲۳۳ سوره‌ی بقره و با تفسیر به رأی آن به این نتیجه رسیده است که تنظیم خانواده در قرآن سفارش شده است. آیه‌ای که بیانگر آن است که مادر دو سال کامل به فرزند خود شیر بدهد. و در ادامه به حدیثی از قول محمد غزالی سنی استناد می‌کند که از پیامبر اکرم ﷺ نقل کرده است «**کمی اهل و عیال یکی از دو طریق برخورداری از رفاه است و کثرت آنها یکی از دو عامل فقر است**»^۱

۳- نبودن امنیت در مطالب

مطالب علمی و آموزشی و تحقیقی مجله قابل اعتماد نیست. گاهی مطلب دو بار با آمار و ارقام متفاوت در شماره‌های مجله به چاپ می‌رسد و یا یک متن با دو ترجمه متفاوت؛ و همینطور مطالب ضدّ و نقیض بسیاری در آنها به چشم می‌خورد. حتی در شعرهای خوانندگان که برای مجله ارسال می‌شود، بارها یک شعر در دو شماره متفاوت با دو نام مختلف به چاپ رسیده است. نکته‌ای که از این شیوه استنباط می‌شود، این است که دست اندرکاران مجله مخاطبان خود را به بازی گرفته و مطالب را با این نگاه که خوانندگان متوجه اختلافات آن نمی‌شوند، به چاپ می‌رسانند. با توجه به مطالبی که در آنها سهل انگاری رخ داده و باعث بی‌اعتمادی مخاطبان گردیده اگر مطلبی هم درست به چاپ برسد خواننده احتمال می‌دهد که این مطلب نیز ممکن است تحریف شده باشد و با چنین شیوه‌ای وجهه‌ی نویسندگان و دست اندرکاران مجله زیر سؤال می‌رود.

۳-۱- یک مطلب علمی به همراه آمار و ارقام، در دو صفحه‌ی مجله به چاپ رسیده است که اعداد و ارقام آنها با هم مغایرت دارد.^۲

۳-۲- در برخی موارد بخشی از یک داستان، انتخاب شده و بطور مشابه در داستان دیگری نوشته شده است. در بخش «گره گشا» [که مربوط به اعجاز و کرامات ائمه‌ی اطهار ﷺ می‌باشد] دقیقاً بخشی از قصه در داستان دیگری آمده است.^۳

۳-۳- مقاله‌ای در بخش یادداشت سینمایی آمده است. در قسمتی از آن مطلبی به این مضمون گفته شده: «زیاد مهم نیست که جوانان کتاب نمی‌خوانند و از کتاب گریزانند چون سینما مطالب همین کتابهای مهجور را به روی پرده کشیده است و این مطالب را به مخاطبان خود القا می‌نماید.»^۴ در دو شماره‌ی بعد دوباره مطلبی در نقد سینما به این مضمون گفته شده: «خیلی بد است که دوست داریم مطالب کتابها را روی پرده سینما ببینیم و از مکتوب این وقایع فراری هستیم.»^۵

۱ - شماره‌ی ۷۸.

۲ - شماره‌ی ۳۹، یک بار در صفحه ۲۵ و یکبار در صفحه ۶۲.

۳ - شماره‌ی ۳۱، صفحه‌ی ۸۱

۴ - شماره‌ی ۳۱، صفحه‌ی ۸۱

۵ - شماره‌ی ۴۱، صفحه‌ی ۶۸

۳-۴- در جایی دیگر داستانی ترجمه شده به چاپ رسیده است. این داستان در یکی از شماره‌های قبلی با ترجمه‌ای متفاوت آمده است.^۱

۳-۵- در شماره‌ای سرگذشت یکی از خوانندگان آمده است که در یکی از شماره‌های قبلی نیز به چاپ رسیده است.^۲

۴- عکس‌های به کار رفته در مجله

مطلب دیگری که باید به آن اشاره داشت و نباید کوچک شمرد، عکسهای مجله است. هر چند به‌طور گذرا از کنارشان می‌گذریم، ولی باید به این نکته توجه داشت که خطر فرهنگی عکسهای نابجا کمتر از چاپ مطالب و موضوعات معیوب فرهنگی نیست.

۴-۱- روی جلد مجله بیشتر عکس دختران جوان چاپ می‌شود. دخترانی آرایش شده، با لباسهای رنگارنگ.

۴-۲- بخش مربوط به چاپ عکس خوانندگان یا «چشم و چراغ» و یا «شاگردان ممتاز» عکس بسیاری از خوانندگان با سنین مختلف با بهانه‌های متفاوت به چاپ می‌رسد.

۴-۳- استفاده از عکس دختران و زنان مشهور [بیشتر چهره‌های سینمایی] در روی جلد مجله برای فروش بیشتر.

۴-۴- در شماره‌های آغازین، عکسهای بخش الگوی خیاطی نقاشی و گرافیک بود ولی رفته رفته به عکسهای واقعی تبدیل شد که لباسها، از عکسها بریده شده، و سر و گردن حذف شده بود. و از شماره‌ی ۶۱ به بعد شاهد هستیم که عکسهای نامناسب و بدون سانسور کم کم جای عکسهای سانسور شده و نقاشی‌ها را گرفت.^۳

۴-۵- عکس زوجهای جوان در بخش «همسر نمونه‌ی من». در این بخش علاوه بر مطالبی در رابطه با تقدیر و تشکر یکی از زوجین از همسرش، عکس آنان با ذکر نام و شهر اقامتشان نیز به چاپ می‌رسد.

۴-۶- عکس تمام قد از زنان و دختران در مطالب و بخشهای مختلف مجله اعم از فرهنگی، پزشکی و... و حتی عکس تمام قد از زنان باردار در مبحث تنظیم خانواده.^۴

۴-۷- عکس تمامی کارکنان مجله اعم از نویسندگان زن و مرد.^۱

۱ - شماره‌ی ۳۳، صفحه‌ی ۷۶.

۲ - شماره‌ی ۳۴.

۳ - همین طور است در شماره‌ی ۷۶ و ...

۴ - شماره‌های ۳۰، ۴۱ و ۵۶.

۴-۸- عکس تمام قد از چهره های مشهور سینما، ورزش ... به همراه همسران و یا خانواده‌هایشان با ذکر مشخصات کامل.

۴-۹- از شماره‌ی ۷۸ به بعد چاپ عکس رنگی برآق تمام صفحه از یکی از خوانندگان و مشاهیر موسیقی در صفحه‌ی آخر.

۴-۱۰- از شماره‌ی ۶۱ به بعد بخشی در مجله پدید آمده با عنوان «جوینندگان خاطره» که در آن عکس یکی از خوانندگان همراه خانواده یا دوستان گذشته او به چاپ می‌رسد و خواننده ضمن قرار دادن شماره‌ی تماس خود در دفتر مجله از دیگران می‌خواهد اگر از اشخاص موجود در عکس، خبری دارند به او اطلاع دهند.^۲

۴-۱۱- عکس شاعران زن و بیوگرافی آنها.^۳

۴-۱۲- سیر نزولی اخلاق دینی در عکس‌ها به چشم می‌خورد. عکس‌های تبلیغاتی و موضوعی کم کم برگرفته از عکس‌های غربی می‌شود.^۴

۴-۱۳- عکس دختران ورزشکار.^۵

۴-۱۴- استفاده از عکسهای تکراری در دو شماره‌ی پشت سر هم.^۶

۵- الگوی خیاطی

الگوی خیاطی - بخش ماندگار مجله از آغاز تا به آخر. نکته‌ی قابل توجه اینکه بیشتر الگوها، برای لباسهای زنانه می‌باشد و طرح و نقشه‌ی آنها، غربی و خارج از شئون اسلامی است. این بخش در ترویج فرهنگ غرب از بخشهای دیگر مجله عقب نمانده است.

۶- مصاحبه و گزارش

مصاحبه و گزارش از شخصیتها، مصاحبه‌ها در شماره‌های آغازین ویژه‌ی هنرمندان و ورزشکاران بود. هنرمندانش بازیگران سینما، کاریکاتوریستها، خطاطها و نقاشها و ورزشکارانش مردان مشهور بودند و در کنار آنها گاهی به چهره‌های مذهبی نیز پرداخته می‌شد. چهره‌های مذهبی را ایشارگران، جانبازان و گاهی قاریان و

۱ - شماره‌ی ۶۴.

۲ - برای نمونه صفحه‌ی ۸۰ همین شماره را ملاحظه فرمایید.

۳ - شماره‌ی ۵۵، ۷۶ و ...

۴ - از شماره‌ی ۵۵ به بعد.

۵ - شماره‌ی ۵۲ ...

۶ - شماره‌ی ۳۷.

حافظان قرآن^۱ ... تشکیل می دادند. ولی در شماره های بعدی مصاحبه با چهره های مذهبی حذف شد و به جای آن مصاحبه با اساتید موسیقی، آوازخوانان، نوازندگان ... قرار گرفت؛ و سپس با ذکر پرسشی از خانم «پانته آ بهرام» (بازیگر سینما) زمینه‌ی مناسبی برای مصاحبه با نوازندگان و ترانه خوانان زن فراهم شد و باب موسیقی بانوان در مجله گشوده شد.^۲ متأسفانه چون تنها تا شماره‌ی ۸۴ این مجله در دسترس ما بود برای اثبات این مدعا به ذکر یک نکته واضح اکتفا می کنیم: مصاحبه ای با خانم «مریم ملا» یکی از زنان آهنگ ساز (سنتوریست) انجام شده است که ضمن چاپ نکردن عکس این شهره‌ی هنری نام گزارشگر این مقاله هم به اختصار آمده است؛^۳ که احتمال داده می شود در شماره های بعد (که البته در دسترس نبوده است) این ضعفها نیز کاسته شده و نام و نشان مصاحبه‌گر و عکس مصاحبه شونده نیز چاپ می شود. همچنین در بخش مصاحبه‌ی ورزشی، ورزشکاران زن نیز به جمع مصاحبه شوندگان پیوستند.

نکته ای که در این زمینه به نظر می رسد، ایجاد شبهه و القای افکار باطل توسط این شخصیتها به مخاطبان است. بدون در نظر گرفتن اینکه شناساندن چهره های موسیقی، ورزشکاران زن ... به خودی خود در ایجاد فرهنگ بیگانه نقش دارد.

۱-۶- مشکل بزرگی که در شرح این قسمت می توان به آن اشاره کرد این است که مصاحبه با این شخصیتهای فرهنگی، هنری، ورزشی جهت الگو سازی و استفاده‌ی جوانان از الگوهای موفق می باشد که شیوه‌ی درستی نیست زیرا اشخاص مورد مصاحبه در خور الگوی کامل برای زندگی انسان نیستند. اما با طرح پرسشهای گوناگون اجتماعی، زندگی خصوصی مصاحبه شونده و ... تمامی ابعاد زندگی او جهت الگو سازی ارائه می شود که متأسفانه در همین راستا به باورهای نادرست زیادی دست می یابیم که به عنوان افکار یک شخص موفق به خورد جوانان و مخاطبان داده می شود.

۲-۶- یکی از اسفبارترین مصاحبه ها، گفتگو با «جلال ذوالفنون» است که در ۶ صفحه بصورت کامل و مشروح به عنوان طولانی ترین مصاحبه‌ی مجله به آن پرداخته شده است.^۴ تبلیغ و ترویج منکرات و آلات موسیقی و شیوه‌ی نواختن موسیقی در حین مصاحبه به چشم می خورد.

۳-۶- نمونه ای از بدآموزی ها توسط این مشاهیر زیر عنوان مصاحبه ای با «مسعود خادم» (خواننده) به چشم می خورد. وی در حین مصاحبه علّت پیشرفت خود را در خوانندگی و عرصه‌ی موسیقی، عنایت حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) می داند! و با توجه به ارادتمندی اش به حضرت قصد دارد اشعاری در وصف مولای متقیان بخواند!^۵

۱ - برای نمونه، اولین و تنها مصاحبه‌ی مذهبی با حافظان قرآن مصاحبه ای است با محمد حسین طباطبائی در شماره‌ی ۲.

۲ - شماره‌ی ۱۲

۳ - شماره‌ی ۱۳

۴ - شماره‌ی ۳۷.

۵ - شماره‌ی ۷۷ صفحه‌ی ۱۴.

۴-۶- دگرگونی در نوع گزارش ورزشی نیز آشکار است. مصاحبه با ورزشکاران رشته‌ی فوتبال، والیبال ... به مصاحبه با چهره‌های ورزشی در رشته‌ی بدنسازی تبدیل شده است. ضمن آنکه بدنسازی بر خلاف بسیاری از ورزش‌ها که برای سلامتی بدن به کار می‌رود، برای زیبایی بدن به آن پرداخته می‌شود.

۵-۶- «گفتگو با از مرگ برگشتگان» که از شماره‌ی ۸۱ در مجله آغاز شده است، داستانهای عجیبی است. مانند اینکه پس از بازگشت از حالت مرگ می‌توانند زمان فوت دیگران را بفهمند ... در حالی که باید پرسید: آیا واقعاً اینها از مرگ بازگشته‌اند؟

۶-۶- مصاحبه با شخصیت‌های غیر اسلامی. از این دسته به چند مصاحبه اشاره می‌کنیم: مصاحبه با کارگردان ارمنی به نام «ساموئل خاچیکیان» و پرسش «ادوین خاچیکیان»^۱. مصاحبه با یک حقوقدان زردشتی به نام «توران شهریاری» ملقب به «بهرامی»^۲ و موارد دیگر.

۷-۶- مصاحبه با بچه‌های مهد کودک. یکی از بخشهای مجله که - از اواسط شماره‌های مجله شروع می‌شود و - معمولاً دو صفحه به آن اختصاص دارد بخش مصاحبه با بچه‌های مهد کودک است. این بخش طرفداران زیادی دارد که طی نامه‌های ارسالی به مجله از این بخش تعریف و تمجید می‌کنند. در این مصاحبه فقط یک سری پرسش مانند «مادر و پدر تا به حال به شما دروغ گفته‌اند؟»، «بهترین هدیه چه بوده است؟»، «تا به حال بیشتر از چه چیزی خوشحال شده‌ای؟» از کودکان پرسیده می‌شود. این گزارش نه نتیجه‌ای در بر دارد و نه جنبه تحقیقی می‌توان در آن دید. برای مثال وقتی از کودکی پرسیده می‌شود که «چه چیزی تو را بیشتر خوشحال می‌کند؟» هر کودکی برای آن جواب منحصر به فردی ارائه می‌دهد که حتی خواننده هم نمی‌تواند از این گزارش نتیجه بگیرد که کدام کار باعث رضایت و خشنودی بیشتر کودک می‌شود ... و گاهی پرسشها بد آموزی دارد مانند پرسشهای: «تا به حال پدر و مادر به تو دروغ گفته‌اند؟» یا «تا حالا دروغ گفتی؟»^۳. از این دسته مصاحبه‌ها با اقشار مختلف جامعه حتی بزرگسالان نیز انجام می‌شود و بدون ذکر نتیجه پایان می‌پذیرد.^۴

۷- تزیینات

یکی دیگر از بخشهای مجله قسمت تزیین و آموزش خانه داری است. در این بخش نیز نکات قابل ذکری وجود دارد.

۱ - شماره‌ی ۳۱.

۲ - شماره‌ی ۵۲ صفحه‌ی ۳۱ - که در شمارگان بعدی از همین شخص مقالاتی به چشم می‌خورد.

۳ - شماره‌ی ۳۳.

۴ - نمونه‌ی این گزارشات را می‌توانید در شماره‌های ۳۶ و ۳۷ ... ببینید.

۷-۱- در بخش تغذیه بیشتر غذاهای معرفی شده غذاهای گیاهی هستند؛ ترویج اینگونه غذاها اضافه بر شماره‌هایی است که تنها و بطور کامل غذاهای گیاهی بخش تغذیه را در بر دارند. در شماره‌هایی که از غذاهای گوشتی یاد شده بخش اعظم آن غذاهای گیاهی است. اگر به مطالب تغذیه در همین باب توجه شود ستون تغذیه درمانی نیز مؤید همین مطلب است که در این ستون تمام احادیث و سفارشات ائمه (علیهم‌السلام) در باب تغذیه، تغذیه گیاهی است.^۱

۷-۲- در بخشی از مجله مصرف روغن ماهی های حرام گوشت و خواص آنها شرح داده شده است!^۲

۷-۳- در بخش تزئینات و دکوراسیون منزل هم تنها چیزی که به چشم می خورد استفاده از الگوها و طرحهای غربی است.

۸- زنان

مطالب مجله بیشتر توسط زنان تهیه می شود. بیشترین مخاطب مجله را هم زنان تشکیل می دهند و اغلب مخاطبان نویسندگان، شخصیت‌های اصلی داستان‌ها، احادیث، مطالب جمع آوری شده، مباحث علمی و مشاوره‌ها و حل مشکلات را زنان و موارد مربوط به آنها تشکیل می دهند. بعضی اوقات احادیث مجله نیز همه در رابطه با زنان انتخاب شده است.^۳

۹- استفاده از مطالب دیگر

بسیاری از مطالب علمی، ادبی، خبری، فرهنگی ... مجله از نشریات و منابع دیگر جمع آوری شده است.

۱۰- مشاوره‌ی پزشکی

در بخش مشاوره‌ی پزشکی و یا ورزشی بارها دیده می شود که پرسش خانمی در رابطه با مسائل ویژه‌ی بانوان همراه با پاسخ آن به چاپ رسیده است. در صورتی که ضرورت چندانی در چاپ این مطالب وجود ندارد. این مطالب علاوه بر آن که سبب اشاعه‌ی فحشا و بی حیایی بوده، می تواند عامل تحریک نوجوانان و از بین رفتن قبح این مسائل در خانواده‌ی مخاطبان باشد.^۴

۱ - شماره‌ی ۲۹، صفحه‌ی ۱۳.

۲ - شماره‌ی ۳۴.

۳ - شماره‌ی ۴، صفحه‌ی ۱۷؛ شماره‌ی ۲۱، صفحه‌ی ۴.

۴ - شماره‌ی ۲۰، صفحه‌ی ۳۹؛ شماره‌ی ۳۴، شماره‌ی ۳۰ ...

۱۱- ورزشی

بخش ورزشی مجله هم از تحریفات و مطالب ضدّ دینی مصون نمانده است. اجمالاً به موضوعاتی در این راستا می‌پردازیم.

۱۱-۱- در بخش ورزشی مصاحبه‌ها با چهره‌های ورزشی و اخبار و بیوگرافی ورزشکاران مرد آغاز شد و رفته رفته به زنان اختصاص یافت و ترویج ورزش زنان در آن زیاد به چشم می‌خورد. تا جایی که گاه مقاله یا خبری با همین عنوان به چاپ می‌رسد.^۱

۱۱-۲- ورزش زنان: بخشی که مجله زیاد به آن تأکید دارد و بیشتر مقالات ورزشی به ورزش زنان و ترغیب و تشویق آنان به ورزش به ویژه در خارج از منزل و در کلاسها و باشگاههای ورزشی اختصاص دارد. در جایی نیز حدیثی از پیامبر اکرم (ﷺ) نقل و همچنین تفسیری خودسرانه برای آن بیان شده است: «رسول اکرم (ص) در حدیثی فرموده اند: بدن تو بر تو حقی دارد که باید آن را ادا کنی. و این حق، چیزی نیست جز حفظ و حراست از بدن در مقابل بیماری‌ها و بلایایی که انسان را ناتوان می‌کند.» و این ناتوانی، بخصوص در مورد زنان خانه دار، به لحاظ کم تحرکی و فقدان حرکات لازم بیشتر مشهود است و عموماً از دردهای عضلانی و مفصلی شکایت دارند.»

۱۱-۳- یکی از مباحثی که در شماره‌های متعددی به آن اشاره شده است، ورزش یوگا می‌باشد. این بحث از شماره‌ی ۶۶ مجله شروع شده و تا شماره‌ی ۸۴ و شاید بعد از آن هم ادامه داشته باشد و چکیده‌ی آنها این است که می‌توان به روشهای غیر دینی تزکیه‌ی روح پیدا کرد. روش‌هایی که توسط هیچ یک از پیشوایان معصوم (علیهم‌السلام) به آنها توصیه نشده است. راستی چگونه دانش بشری می‌تواند انسان را به سعادت برساند ولی دانش ائمه اطهار (علیهم‌السلام) که متصل به اقیانوس بی‌کران علم الهی است نمی‌تواند این هدف را تحقق بخشد؟ چرا باید روشهای تزکیه و عبادت پیشوایان دینی را ترک کرده و روشهای ضدّ دینی ورزش یوگا را جایگزین آنها کرد؟ در این قسمت گزیده‌ای از افکار و عقاید شیطنانی که در لابه لای متن این نوشته خودنمایی می‌کنند را به اختصار یادآور می‌شویم.

۱۱-۳-۱- ترجمه‌ی صریح «مدیتیشن» به «عبادت» (تغییر روش عبودیت ذات اقدس الهی از احکام اسلامی به قوانین بشری)^۲

۱۱-۳-۲- یوگی‌ها (یوگا پردازان) را با عارفان و شخصیت‌های مذهبی هم طراز دانستن.^۳

۱۱-۳-۳- یکسان دانستن محلّ تمرینات یوگا با اماکن مقدّس و عبادتگاه‌ها.^۴

۱ - شماره‌ی ۴۸، صفحه‌ی ۵۹.

۲ - شماره‌ی ۶۶، شماره‌ی ۸۳ ...

۳ - شماره‌ی ۷۰ ...

۴ - شماره‌ی ۶۶، شماره‌ی ۸۴ ...

۴-۳-۱۱- در بخشی دیگر با بیان این که نیروی خارق العاده‌ای از حبس تمایلات جنسی به انسان دست می‌دهد و آن را نیروی الهی خوانده انسان را از عمل مشروع جنسی باز می‌دارد.^۱ در شماره‌ای دیگر هم تمریناتی را ارائه می‌دهد که به گفته نویسنده بسیار سازنده و از تمرینات کلیدی یوگا می‌باشد و بالاترین مقام در تمرینات یوگا را داراست که افراد متأهل نمی‌توانند آنرا انجام دهند و مخصوص افراد مجرد است.

۵-۳-۱۱- برتر جلوه دادن عقاید و فرامین یوگا نسبت به دستورات دینی.

۶-۳-۱۱- مقایسه‌ی رفتارهای یوگا با احکام و اعتقادات دینی - تفسیر باورهای مذهبی به وسیله‌ی دستورات موجود در یوگا.^۲ (در شماره‌ای دیگر دلیل طولانی بودن عمر حضرت نوح علیه السلام را تغذیه درست می‌داند!)^۳

۷-۳-۱۱- بالا بردن جایگاه یوگی‌ها. برتر نشان دادن یوگی‌ها نسبت به انسانهای دیگر و دست یافتن به حالات غیر عادی مانند نعشه کردن و ایجاد توهم^۴ و دست یافتن به نیروهای خارق العاده که به صراحت آن را «ولایت» خوانده است.^۵

۸-۳-۱۱- یوگا خوردن سبزیجات را تأیید ولی خوردن گوشت حیوانات را منع می‌کند و با یک برداشت نادرست از کلام حضرت امیر علیه السلام و سخنان پزشکان خارجی به این نتیجه می‌رسد که خوردن گوشت برای بدن انسان زیان آور است و نویسنده از این متن اینگونه برداشت می‌کند که چون دندانهای ما مثل دندان ببر و پلنگ نیست نباید گوشت بخوریم.^۶

۹-۳-۱۱- دست یابی به اندامی موزون و زیبا توسط یوگا. در این زمینه روی صحبت بیشتر با زنان است که توجه بیشتری به این مقوله دارند.^۷

۱۰-۳-۱۱- اوج انحرافات این سری مقالات آنجا آشکار می‌شود که گفته می‌شود: بهره برداری از صفات روح و جسم فقط توسط یوگا ممکن است و نه چیز دیگری.^۸

۱۱-۳-۱۱- ترویج یوگا به بهانه‌ی ضدّ مرگ بودن و طولانی شدن عمر و لذّت بیشتر از زندگی دنیوی بردن.^۹

۱ - شماره‌ی ۷۰.

۲ - شماره‌ی ۷۶.

۳ - شماره‌ی ۷۹.

۴ - شماره‌های ۷۶، ۸۱ و ۸۲.

۵ - شماره‌ی ۷۷.

۶ - شماره‌های ۷۹ و ۸۰.

۷ - شماره‌های ۸۱ و ۸۲...

۸ - شماره‌ی ۸۱.

۹ - شماره‌ی ۸۳.

۱۲-۳-۱۱- سردرگمی از سخنان پند آموز یوگا در طول مقاله‌ها: در ابتدا آمده است که خوردن گوشت در قوانین یوگا منع شده است^۱ و در چند شماره بعد بیان می‌شود که یوگا می‌تواند قدرت خوردن و نوشیدن را فوق العاده افزایش دهد و در ادامه می‌گوید که «ژنده پیل» قادر بود روزی ۴ گوسفند را بخورد.^۲ لابد در قوانین یوگا خوردن گوشت آن هم در این حدّ اعلا برای رهبران و مربیان آن مجاز و برای دیگران خوردن هر مقدار گوشت غیر مجاز است. همچنین در جایی استفاده از نیروی جنسی را منع کرده است و گفته است با حبس این نیرو می‌توان به نیروهای دیگری دست یافت^۳؛ و باز در جایی دیگر گفته می‌شود که به کمک ورزش یوگا می‌توان نیروی جنسی را به حدّ فوق العاده و حتّی به سر حدّ جنون آمیز کشاند و از زندگی و زنده بودن، بیش از اشخاص عادی لذّت برد.^۴

۱۲- علوم مختلف

پرداختن به اموری مبهم و بدون منبع در برخی از شماره های مجله به چشم می‌خورد. اموری که بارها نویسندگان آن را تفنّنی، غیر قطعی و احتمالی ذکر می‌کنند. اموری که امروزه طرفداران بسیاری دارد در حالی که معمولاً انسان را از خداوند و دستوراتش باز می‌دارد. اموری که انسان را امیدوار و وابسته و وامدار به مسائل مادی می‌کند و فکر و نگاه او را از حقیقت و امید و توکل به خداوند باز می‌دارد. در این بخش به چند نمونه از این امور می‌پردازیم:

۱-۱۲- روانشناسی: در روزگار ما هر کسی در پی راهی برای کسب درآمد است. تمام رفتار آدمی سوژه‌های پر رنگ و لعاب روانشناسی شده است. برای کوچکترین حرکت انسان یک بازخورد در نظر می‌گیرند و جالب اینجاست که به اقرار و گفته خودشان، بازخوردها یک امر قطعی نیست و ممکن است خلاف آن نیز رخ بدهد.

مباحث روانشناسی از شماره های آغازین مجله ضمن مطالب دیگر و یا مستقلاً و با عناوین مربوطه و غیر مربوطه به چشم می‌خورد. روانشناسی مربوط به سنین مختلف، اشخاص متفاوت و موقعیتهای و حالات و حرکات که همه آموخته شده از آموزه های غربی است و کوشش می‌شود تا به وسیله آن انسان را به درجه ای از سعادت و کامیابی نزدیک کنند. پیش بینی آینده افراد توسط روانشناسی و روند شکل گیری شخصیت فرد در خانواده و نسخه های متفاوتی که در این باره پیچیده می‌شود، علّت تراشی برای رفتار انسان توسط روانکاوی، پیشگیری از بوجود آمدن انسانهای غیر طبیعی توسط همین فن، خط مشی دادن به روابط افراد جامعه (مثلاً والدین با فرزندان و بالعکس، معلم و شاگرد و...)، تکیه بر نیروهای ذاتی در وجود انسان ... که در طول مقالات متفاوت درج گردیده است، همه و

۱- شماره‌های ۷۹ و ۸۰

۲- شماره‌ی ۸۳

۳- شماره‌های ۷۰، ۸۴، ...

۴- شماره‌ی ۸۳

همه ریشه در افکار ضدّ دینی، غرب گرایی و وابستگی به مادیات و دوری از باورها و آرمانهای دینی و راهکارهای سعادت واقعی انسان دارد.

۱-۱-۱۲- مقاله ای با عنوان خواب و اسرار شگفت انگیز آن به چاپ رسیده است که در آن به این موضوع می پردازد که شخصیت افراد بر حسب خوابیدن آنها به چه شکلی است؟^۱

۲-۱-۱۲- تست روانشناسی: از این قبیل تستها در شماره های مختلف مجله بارها دیده شده که مخاطب باید پاسخ تست را برای مؤسسه مشاوره دهنده بفرستد و در قبال ارسال مبلغی، نتیجه ی تست خود را دریافت کند. تستی با عنوان «تست شخصیت و پیش بینی زندگی زناشویی» به چاپ رسیده است که مخاطب می تواند به همراه همسرش و یا افراد مجرد به همراه کسی که قصد ازدواج با او را دارند، این تست را پاسخ داده و به مؤسسه بفرستند و زندگی زناشویی خود را پیش بینی نمایند.^۲ اگر تست مذکور را ملاحظه کنید پرسش های نامربوطی در تست وجود دارد که بحث و بررسی در مورد آن خارج از حوصله ی این مقاله است. قضاوت آن را به خوانندگان واگذار می کنیم.^۳

پرسش ما این است که اگر شخصیت زوجی که هم اکنون در کنار هم زندگی می کنند با یکدیگر هماهنگ نباشد، تکلیف چیست؟ باید زندگی را خاتمه دهند؟ و کسانی که نیز قصد ازدواج دارند بر اساس این تست باید قید شروع زندگی مشترک را زده و به دنبال شخصی دیگر بگردند؟ آیا ملاک ازدواج، همان اموری است که در تستها ذکر شده اند؟ آیا واقعا در شریعت ما برای ازدواج اینگونه توصیه شده و بزرگان دین اینگونه عمل می کرده اند؟

۳-۱-۱۲- رابطه ی نگارش با شخصیت انسان: نوشته ای که در آن شخصیت انسان از راه دست خط او بررسی می شود. جالب اینجاست که یکی از خوانندگان مجله درخواست می کند که دست خط او کارشناسی شود. پاسخی که دریافت می کند این است که این شاخه از علوم نسبی بوده و جنبه احتمالی دارد.^۴ این مطلب خود گواه پوچی این گونه مباحث است. یادآور می شویم که شخصیت شناس مجله در شماره های بعدی نیز به کارشناسی دست خط خوانندگان می پردازد و پاسخهایی ارائه می دهد که موجب ناراحتی کسی نشود و به مذاق همگان خوش بیاید. نکته دیگر اینکه کسانی که از یک مکتب هنری خاص برای نوشتن بهره می گیرند (که همگی یک شکل می نویسند) آیا دارای شخصیت هایی دقیقاً مشابه هستند؟ بهتر نیست از این پس بجای صرف چندین سال وقت برای تربیت اشخاص، ظرف چند ماه به آنان خط زیبا بیاموزیم تا به شخصیت والایی دست یابند؟ و سؤالهای زیادی که در این رابطه مطرح است.

۱ - شماره ی ۳۲

۲ - شماره ی ۳۱.

۳ - نمونه ای دیگر از این تست در شماره های ۴۹ و ۵۷ طراحی شده است.

۴ - شماره ی ۷۴.

۴-۱-۱۲- روانشناسی نقاشی.^۱

۵-۱-۱۲- روانشناسی رنگها.^۲

۶-۱-۱۲- تغذیه و روانشناسی نوین.^۳

۷-۱-۱۲- شناسایی خلق و خوی انسان از روی امضاء.^۴

۱۲-۲- طالع بینی یا فال بینی: از شماره‌ی ۱۷ به بعد بحث فال بینی در مجله مطرح شده و ادامه دارد و از شماره‌ی ۶۳ بطور جدی به آن پرداخته شده است.

۱-۲-۱۲- طالع بینی بر اساس ماههای شمسی.

۲-۲-۱۲- نکته ای که باید به آن توجه کرد این است که در هیچ فالنامه ای عیب مخاطبان ذکر نمی شود بلکه همیشه از صفات نیک و بزرگی شخصیت، مطلب به میان می آید. و بیان نشده انسانهای احمق، جانی، گناهکار، بی عرضه و ... متولد چه ماهی هستند؟

۳-۲-۱۲- یاری گرفتن از سیاره ها یا پشتیبانی سیاره ای خاص از متولدین ماهی خاص.

۴-۲-۱۲- مقاله‌ای با عنوان «برقراری رابطه از طریق فال بینی» به چاپ رسیده است.^۵ گویی آینده را ما می سازیم و همه چیز فقط در دست انسان و تفکرات و خواسته ها و پیش بینی های اوست؟!

۳-۱۲- هیپنوتیزم: مطلبی که در مورد هیپنوتیزم مورد توجه می باشد این است که آیا این فن علمی و منطقی است یا خیر؟ چه مرجع صلاحیت داری مهر تأیید بر آن و قابلیت‌هایش آن زده است و آیا مجوزی از سوی شارع مقدس برای استفاده و بکار گیری آن به انسان داده شده است یا خیر؟ چرا برای درمان بیماران و اقرار گرفتن از مجرمان آنگونه که در مجله ذکر شده است مورد استفاده قرار نمی‌گیرد؟ این قدرت به گفته خود مقالات مربوطه، ماوراء انسانی تلقی می شود. این ماوراء، شیاطین هستند یا ملائک؟ چرا مطلبی که علمی نیست باید ترویج شود؟ در تحت همین عنوان، ولایت در عرفان اسلامی اینگونه معرفی می‌شود: «نفوذ مغناطیسی یا قدرت تسخیر و تصرف که در عرفان اسلامی به نام «ولایت» نامیده می شود، می تواند از انسان ها گذشته و به حیوانات و نباتات و جمادات و بالاخره به کاینات رخنه و سرایت کند.»^۶

۴-۱۲- ارتباط با ارواح: این مطلب هم به نوبه خود جای تأمل و تفکر دارد. از شماره‌ی ۷۸ به بعد می‌توانیم نظاره گر این مطلب باشیم. دلیلی که نویسنده برای استفاده، آموزش و رجوع به این علم

۱ - شماره‌ی ۵۷ ...

۲ - شماره‌ی ۷۹ به بعد.

۳ - شماره‌ی ۷۹.

۴ - شماره‌ی ۸۰ به بعد.

۵ - شماره‌ی ۶۳.

۶ - شماره‌ی ۷۷.

بیان می کند یافتن حقیقت و یافتن راه رستگاری بشر و پی بردن به جهانی دیگر و فراتر از این جهان است.^۱ همچنین می گوید: «ز صمیم قلب از خداوند بخواهید تا روح پیشرفته ای را در آن مکان بفرستد تا بتوانید از فیض حضرتش مستفیض شده و اطلاعات و راهنمایی های لازم را دریافت دارید.»^۲ آیا برای پی بردن به حقیقت و ذات اقدس الهی و این گونه موارد واقعاً نیاز به چنین کاری می باشد؟ چرا ائمه‌ی معصومین (علیهم‌السلام) و متولیان دین که به واقع دلسوزتر از هر کسی برای یافتن راه سعادت و حقیقت‌جویی انسان هستند سفارش به این امر نکرده‌اند؟ و در باز در جای دیگر به ارتباط با ارواح رنگ حقیقت می بخشد و به این مطلب استناد می کند که اشعار حافظ و مولوی طبق گفته خودشان توسط نیرویی به آنان دیکته می شده است.^۳

۵-۱۲- پیش بینی آینده: یکی از عجیب ترین مطالبی که در مجله دیده می شود که ظاهراً علمی نوظهور است این است که: می‌توان به وسیله یک دایره روی کاغذ و یک نخ و پاندول از جزئیات آینده با خبر شد!^۴ در شماره بعدی موجودی نا شناس به نام همزاد را معرفی می کند که انسان را به او متوسل کرده و می خواهد از او برای پیش بینی آینده و اشیاء گم شده مدد بگیرد.

۱۳- عناوین دینی

عناوین دینی: مطالبی در مجله به چاپ می رسد که در نگاه اول مطالبی مذهبی به نظر رسیده و کارنامه مذهبی مجله را پر بار تر می سازند. ولی با نگاهی عمیق تر می توان به این نکته پی برد که شبهات و انحرافات متعددی در آنها وجود دارد. گوشه ای از این مطالب را به اختصار بیان می کنیم.

۱-۱۳- یکی دیگر از بخشهای مجله مربوط به قصه‌های ائمه (علیهم‌السلام) و حالات و رفتار ایشان می باشد. این موضوع که همواره پراکنده بوده و هر چند شماره یک بار چاپ می شد، از شماره‌ی ۳۵ به بعد به کلی از سیر چاپ مجله خارج می شود. و همین امر باعث می شود که بتوان سیر نزولی مجله را به راحتی تشخیص داد.

۲-۱۳- یکی از مطالبی را که می توان در ردیف مطالب مذهبی قرار داد مطلبی با عنوان «گره گشا» است. این مطلب در قالب قصه بیان می شود و بعضاً با تغییرات و سبکی که به نوشته داده می شود حالت واقعیت آن را تبدیل به داستان می نماید. این امر باعث می شود که خواننده این مطلب را تفننی مطالعه نماید و از ارزش واقعی مطلب که باید انسان را به قدرت، کرامت و معنویت ائمه (علیهم‌السلام) نزدیک کند، دور کرده و تنها یک داستان تخیلی یا یک داستان برگرفته از ذهن نویسنده را در خاطر انسان تداعی می کند.

۱ - شماره‌ی ۸۱، صفحه‌ی ۶۶.

۲ - شماره‌ی ۸۲.

۳ - شماره‌ی ۸۴، صفحه‌ی ۸۶.

۴ - شماره‌ی ۷۵.

موضوع دیگری هم که در این باب جای تأمل دارد اینست که در بعضی از شماره‌ها، داستان‌ها کاملاً تکراری هستند و فقط با کمی تغییر در جزئیات به نام معصومی دیگر و شخصیت‌هایی جدید بازنویسی می‌شود که در واقعیت داشتن این داستانها تردید وجود دارد.^۱

۳-۱۳- با قرآن از ریشه تا ... : در ابتدای چاپ این مقاله در مجله، جایی که به آن اختصاص داده می‌شد، در اواسط مجله بود. ولی رفته رفته^۲ به عنوان اولین مقاله و حتی قبل از پیش درآمد به چاپ می‌رسد. با توجه به عنوان مقاله استفاده می‌شود که مجله قصد دارد تمام مطالب خود را به قرآن مستدل نموده و به آن تمسک جوید و یا به بیانی دیگر رنگ مذهبی به مطالب خود زده و با بهره برداری از قرآن مطالب خود را توجیه نماید. چون ریشه ای ترین مقاله‌ی مجله (ریشه را اگر به معنای ابتدایی‌ترین و اولین مطلب در نظر بگیریم) مطلب قرآنی است و تا ... هم با قرآن پیش رفته و از آن استفاده می‌شود.

نکته دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد آنست که این مطلب با توجه به عنوان و سابقه نویسنده آن (آقای علیرضا امینی) و همچنین جایگاه آن در مجله یعنی قبل از پیش درآمد می‌تواند ریشه در عقاید پیروان سقیفه داشته باشد و نمی‌توان مجله را از دخالت عقاید مخالفان مصون و منزّه دانست. کما اینکه در آن مطالبی در رابطه با تناسخ، و عرفان مولوی نیز به طور صریح دیده می‌شود. و بارها یادآور شده است که ما در باورهایمان با پیروان سقیفه تفاوت زیادی نداشته و شباهت زیادی داریم. و همچنین بحث وحدت بین مسلمانان نیز مطرح می‌شود.

مطلبی دیگر که در ذیل همین بند می‌توان به آن اشاره کرد اینست که در این مقاله به اعجاز های عددی قرآن اشاره می‌شود و گفته می‌شود که فلان کلمه به فلان تعداد، یا فلان حرف در تقابل فلان حرف و ... ، وجود دارد. البته پرداختن به این موضوع به تنهایی شاید جای اشکال نداشته باشد ولی وقتی فقط به همین جنبه اکتفا شود اینطور برداشت می‌شود که جنبه دیگری در قرآن دیده نمی‌شود و استفاده های دیگری از آن نمی‌شود. همچنین با نتیجه گیری از مبحث اعداد بیان می‌کند که در قرآن حتی یک کلمه و یک حرف جابجا و کم و زیاد نشده است و گر نه این ساختمان عددی در قرآن فرو می‌ریخت و از هم می‌پاشید.

در جایی اشاره به تفسیر به رأی قرآن می‌شود و گفته می‌شود که اگر قادر به تفسیر قرآن نیستید، معانی فارسی آن را خوانده تا تأثیرات قرآن در شما نمایان شود.^۳

همینطور به بیان سخن دانشمندان غربی در رابطه با قرآن می‌پردازد. و به اصطلاح قصد در بالا بردن شأن قرآن دارد. شأن و منزلتی که به واسطه سخن غربی ها برای قرآن به وجود می‌آید.^۴

در این مقاله بیان می‌کند که وجود مقدس پیامبر اعظم (ﷺ) از غیب خبر ندارند. و همینطور اشاره به این موضوع که دین اسلام بر پایه عقل و منطق است و معجزه این دین هم یک معجزه عقلانی می‌

۱ - شماره‌های ۳۰، ۳۱، ۳۳ و ...

۲ - از شماره‌ی ۷۴ به بعد.

۳ - شماره‌ی ۷۰.

۴ - شماره‌های ۷۸ تا ۸۱

باشد که همان قرآن است و پیغمبر مانند پیامبران دیگر از آوردن معجزات غیر عقلانی خودداری نموده است.^۱

۴-۱۳- مطلب دیگری که در متون مذهبی مورد توجه است لحن و طرز به کار گیری الفاظ در وصف معصومین (علیهم السلام) است. آموزشی که در حین به کار گیری این الفاظ به عموم داده می شود بسیار خطرناک و زنده است. برای مثال می توان به «عشق مقدّس» (داستانی دنباله دار در شماره های متعدّد) اشاره کرد. الفاظ و طرز خطاب قرار دادن ائمه (علیهم السلام) قابل توجه است. در حین این داستان به این مطلب اشاره می شود که تنها گریه و عزاداری بر مصائب حضرت ابی عبدالمطلب (علیهم السلام) کاری بیهوده و عبث است.^۲ همینطور در این شماره، قصّه‌ای در وصف ائمه اطهار (علیهم السلام) با عنوان «داستان زندگی حضرت امیر المؤمنین» (علیهم السلام) آمده است که با الفاظی بسیار بی ادبانه ائمه (علیهم السلام) را با نام مورد خطاب قرار می دهد و برای نام آنها پسوند و یا پیشوندی قرار نمی دهد.^۳ این در حالی است که برای یک شخصیت معمولی جهت ادای احترام چندین کلمه در پیشوند و پسوند نام او می آید (مثلاً حضرت آیت الله العظمی ... حفظه الله و ...). مگر نه اینست که بارها آمده است که امیرالمؤمنین (علیهم السلام) را به اسم خطاب نکنید و یا بدون لقب امیرالمؤمنین (علیهم السلام) ذکر نام حضرت منع شده است. چرا باید نام ائمه اطهار (علیهم السلام) اینگونه در پایین ترین سطح ممکن به کار برده شود؟ و حقیقتاً امکان بکار گیری اسامی در سطح پایین تری وجود ندارد و گر نه حتماً دریغ نمی شد. وقتی در متون دینی اینگونه ادای احترام به ائمه (علیهم السلام) می شود دیگر چه انتظاری از نویسندگان سایر متون می توانیم داشته باشیم.

۵-۱۳- بخشی در مجله به عنوان مشاوره مذهبی وجود دارد که ظاهراً شخصی که این بخش را اداره می کند انسان پر بار و خبره ای نیست و پرسش‌ها را پاسخ درستی نگفته و اغلب مردم را به منابع دیگر ارجاع می دهد.^۴ و حتی در شماره‌ای اشاره به این دارد که «سرود خواندن خانمها در حضور آقایان حتی تکخوانی در گروه سرود از نظر اینکه صدای زن است اشکال ندارد، اشکال در نوع سرود، شعر، و اینکه شنونده با چه قصدی گوش می دهد می باشد، البته با قصد لذت و گناه، صدای تلاوت زن را هم نمی توان شنید.»^۵ و همینطور به این امر اذعان دارد که «طبق احکام اسلام و نظر مراجع تقلید، اهل تسنن، چون که سه اصل توحید، نبوت و معاد را قبول دارند و این سه اصول دین اسلام است در عین حال که دو اصل مذهبی امامت و عدل را قبول ندارند با ما شیعیان، همه به نام مسلم شناخته می شویم و احکام اسلام، شامل حال همه ما می شود و لازم است بدانیم که عقاید مشترک ما خیلی زیادتر از آن چیزهایی است که اختلاف داریم و امیدواریم آن مقدار اختلاف ما هم روزی تبدیل به اتحاد شود و همه ما

۱ - شماره‌ی ۸۱

۲ - شماره‌ی ۷۷

۳ - شماره‌ی ۷۷، صفحه‌ی ۶۳

۴ - شماره‌ی ۳۴

۵ - شماره‌ی ۳۴

سنّی واقعی باشیم و شیعه راستین»^۱ و جالب اینجاست در مجله ای که حتّی در کنار عکس‌ها نام عکّاس آن نوشته می شود نام و نشانی از مشاور مذهبی وجود ندارد و تا شماره های ۶۰ (شاید کمی عقبتر یا جلوتر) این مشاور بی نام و نشان به مشاوره با مخاطبین می پردازد. و درست از زمانی که پرسش‌های مذهبی از مجله حذف می شود یا به عبارتی پرسشی به مجله ارسال نمی شود در تمامی شماره ها نام شخصی به عنوان مشاور مذهبی به چاپ می رسد.

۱۳-۶- مطلبی به عنوان «دانستنیهای تاریخ تمدن اسلام» که احتمالاً از شماره‌ی ۴۷ شروع می شود و تا شماره‌ی ۵۷ نیز ادامه دارد تنها یک عنوان است که اسلامی به نظر می آید. این بخش نیز یکی از خطرناکترین قسمت‌های مجله است. همانطور که از عنوان مقاله بر می آید به اوّلین ها و بهترین ها و مشهورترینها در اسلام می پردازد که در تمدن اسلامی نقش داشته اند. ولی متأسفانه تمامی کسانی که در این بخش معرفی شده و از خدمات آنان صحبت به میان می آید بجز تعداد انگشت شمار (۲ یا ۳ نفر که احتمالاً ناخواسته نامشان ذکر شده است) همگی از مخالفان بوده و یا به طریقی با خلفا و علمای پیروان سقیفه (لعنة الله علیهم) در ارتباط هستند و یا نویسنده میان آنها و پیروان سقیفه ارتباط برقرار کرده است و هیچگونه سخنی از صدمات و عنادورزیهای ایشان نسبت به اسلام به میان نمی آید.

۱۳-۷- در جایی دیگر مطلبی با عنوان «نظر کرده» به چاپ می رسد. «نظر کرده» داستان شخصی است که هیچ بلایی به او نمی رسد. اما کسانی که او را بیازارند و یا به او توهین و یا حتّی کم لطفی بکنند، دچار بلاهایی می شوند.^۲ این عنوان (نظر کرده) با کسی که اصلاً به او بلا نمی رسد همخوانی ندارد. به نظر می رسد اسم مناسبی برای این شخص انتخاب نشده است بخصوص با توجّه به روایتی که در زمان پیامبر اکرم (ﷺ) نقل شده است که: «شخصی نزد ایشان آمد و گفت به چشم دیده است که تخم مرغی از سر دیوار منزل او افتاده است و نشکسته ...»

۱۳-۸- متون به اصطلاح مذهبی به مناسبت‌های مختلف در مدح ائمّه معصومین (علیهم‌السلام) که پر از نادرستی‌های اعتقادی بوده؛ و همچنین انشای متن توسط افراد غیر متخصص از دیگر نقاط ضعف این بخش محسوب می شود. برای مثال مقالاتی که به عنوان پیش درآمد چاپ شده است، یکی از همین متون است.^۳ شعر مربوط به میلاد حضرت سید الشهداء (علیهم‌السلام) که مملو از باورهای نادرست بوده، از همین قسم می باشد.^۴ همینطور نیز مطلبی در رابطه با مسحیت در بخش پیش درآمد به چاپ رسیده است که در آن به وحدت میان مسلمانان و مسیحیان اشاره شده است.^۵ تمامی شماره‌های ذکر شده، در بردارنده‌ی باورهای نادرست در رابطه با شریعت و معصومین (علیهم‌السلام) می‌باشند.

۱ - شماره‌ی ۳۵.

۲ - شماره‌ی ۵۸.

۳ - شماره‌های ۲۱، ۲۳، ۲۴، ۲۸، ۲۹ ...

۴ - شماره‌ی ۲۹، صفحه‌ی ۹.

۵ - شماره‌ی ۳۰.

۹-۱۳- تحلیل و علت یابی در رابطه با اصول فقهی و احکام. یا به عبارتی قیاس احکام با عقل و منطق مانند بررسی موضوع حجاب در همین باب. و مقالاتی با عنوان «چرا زن نصف مرد ارث می برد؟»^۱ و یا «فوائد حجاب»^۲ ...

۱۴- عناوین ضالّه

عناوین ضالّه: مقالاتی نیز در مجله به چشم می خورد که شدیداً مخالف و در تضاد با دین مبین اسلام می باشند و بارها در روایات، احادیث و احکام دیده شده است که با این گونه موضوعات صراحتاً مخالفت شده و دستور به ترک و دوری از آن داده شده است. و یا مطالبی که مربوط به عقاید و باورهای شیعه نمی باشد، از فرقی و ادیان گمراه دیگر وارد دین شده و به آن پرداخته می شود.

۱-۱۴- یکی از مطالب آشکار که در مجله به آن پرداخته شده است مسأله‌ی موسیقی و مطالب جانبی مرتبط با آن است. تقریباً در تمام شماره ها و بیشتر مطالب به این موضوع توجه زیادی شده است و سعی شده تا این موضوع را یک امر شرعی قلمداد کنند و به فواید و مزایا و بعضاً معجزات این مقوله بپردازند. یکی از عنوانهای ضد دینی «موسیقی درمانی» است که با کمال صراحت و جسارت در میان مطالب مجله به چشم می خورد. نفس مطلب موسیقی جایی برای بحث ندارد و بر همه کس روشن است که موسیقی در اسلام، گذشته از این که هیچگاه مورد تأیید نبوده و سفارشی برای استفاده از آن نشده است، بسیار نهی شده و بارها به اصحاب و یاران و شیعیان معصومین (علیهم السلام) توصیه شده است که از آن اجتناب کنند. نکته حائز اهمیت این است که در قالب این موضوع، مطالبی به خورد خواننده داده می شود. از قبیل اینکه نویسنده به حال انسانهایی که به موسیقی درمانی اعتقاد ندارند تأسف بسیار می خورد^۳ و در جای دیگر می گوید که درمان تمام امراض روحی و جسمی به این وسیله ممکن است، در حالی که این مطلب صراحتاً با حدیث نبوی (علیه السلام) که «شفاء در حرام قرار داده نشده است» مغایرت دارد. و باز در جای دیگر تاریخچه‌ی موسیقی را از مادها و ساسانی ها به جلوه می کشد که در آن زمان نیز به موسیقی پرداخته می شده است (ملیت ایرانی دادن به موسیقی) و حتی به تورات نیز متمسک شده و می نویسد که در گذشته مراسم دینی و مذهبی عبریان با موسیقی همراه بوده است. خلاصه نویسنده گمراه این مطلب به همه جا و همه چیز غیر از اسلام چنگ زده است تا بتواند به این مطلب جامعیت و عینیت ببخشد. و جای پرسش دارد که چرا نویسنده برای مذهبی جلوه دادن این مقوله به تورات متمسک می شود؟ توراتی که مورد تحریف و تغییر قرار گرفته است. و باز این پرسش بجاست که چرا با اینکه نتوانسته است حتی یک مورد در اسلام برای این موضوع حدیث یا روایتی به دست بیاورد باز هم اینگونه از این مطلب جانبداری می کند و از آن سخن به میان می آورد. در جای دیگر گفته می شود که موسیقی در رشد گیاهان و جانوران تأثیر به سزایی دارد! و اگر هم به

۱ - شماره‌ی ۶۶.

۲ - شماره‌ی ۴۰.

۳ - شماره‌ی ۷۰، صفحه‌ی ۵.

قول نویسند، علمی به این قضیه نگاه کنیم با توجه به آزمایشهای اخیر که در رابطه با تأثیر کلام بر ساختار سلولی ماده و در نهایت ساختمان کلی آن دارد آیا موسیقی می تواند شفا بخش تر باشد یا ذکر و نام خداوند؟ در شماره‌های بعدی به مطلب عجیب دیگری برخورد کردیم که اینگونه به اجمال از مطلب بر می آمد که موسیقی در تمام زندگی و صحنه های مختلف به کار می آید و حلال مشکلات است. از زایمان، تولد فرزند، جلوگیری از گریه کودک، گرفته تا رفع خستگی، تمرکز و تمدد اعصاب، همه و همه را می توان با استفاده از موسیقی به بهترین نحو به دست آورد.^۱ این مطلب دقیقاً مخالف با آیات و روایات است که در تمام حالات زندگی به خدا متوسل شوید و «الا بذكر الله تطمئن القلوب». همینطور به این امر اشاره دارد که فراهم کردن زمینه ای برای کودک جهت گوش دادن به موسیقی، به مهارت زبان و مهارت شنوایی او کمک می کند.^۲

در مجله مقاله ای با عنوان «موسیقی و رمز و راز آن» به چشم می خورد که تماماً در تعریف و تمجید از موسیقی است. این مقاله شامل پیدایش موسیقی، نقش موسیقی در مکاتب، ملل و رسوم، بزرگان موسیقی ایران و جهان و ... می باشد.^۳ در همین شماره مقاله ای با نام «موسیقی» که به بررسی انواع سازها می پردازد چاپ شده است. و همچنین در مقاله ای ذیل عنوان «موسیقی و کودک» بیان می شود: «به تازگی رباطی را مورد آزمایش قرار داده اند که نسبت به موسیقی واکنش نشان می دهد و در واقع از چنان انعطافی برخوردار است که می تواند به طور موزونی هماهنگ با موسیقی تمام اعضای خود را به حرکت در آورد. در اینجا نیروی جاذبه موسیقی حتی در رباطی که فاقد عواطف و احساسات می باشد، به چشم می خورد.»^۴ پس از اثبات جاذبه موسیقی به این امر اشاره می کند که اگر می خواهید کودک شما آرامش داشته باشد، برای او موسیقی پخش کرده یا آوازه خوانی کنید. همچنین می گوید کودک از دیدن فیلم موزیکال لذت می برد و همراه آن دست می زند و می رقصد. و همینطور می گوید در هنگام عصبانیت کودک برای آرامش دادن به او می توانید موسیقی پخش کنید. در ادامه می طلب آمده است که: «فراموش نکنید که موسیقی روح انسان را شفاف می کند، ناراحتی و غم را می زداید و انسان را تسکین می دهد» و باز در مقاله ای ذیل عنوان «۱۰ راه برای خوشحال کردن کودک» یکی از مواردی که ذکر می شود ایجاد موسیقی است که آرامش را برای او فراهم می کند.^۵

با این مقدمات دیگر تعجب نمی کنید اگر به مطلبی برخورد نمایید که موسیقی را راهی برای رسیدن به خدا معرفی کند. موسیقی به عنوان راه رسیدن به خدا در مقاله ای، اینگونه بیان می شود: «البته هنر موسیقی و کلاً این مقوله چون از فطرت انسانها سرچشمه می گیرد و یکی از بالاترین ارزشهای هنری را داراست خود موضوعی متفاوت با بقیه مباحث است... مگر موسیقی یک

۱ - شماره ۷۸.

۲ - شماره ۵۱، صفحه ۲۱.

۳ - شماره ۵۶.

۴ - شماره ۴۳، صفحه ۱۲.

۵ - شماره ۵۱.

هنر نیست و مگر این هنر زمانی هنر نمی شود (هنر با توجه به تمامی ابعاد) که بتواند تأثیر بر جانها بگذارد و این تأثیر تنها در جایی تجلی می یابد که موجب شود انسان حرکتی به سوی «اویی» داشته باشد. آیا این حرکت را فقط موسیقی ایرانی می تواند ایجاد کند یا فقط موسیقی مدرن، کلاسیک و غیره. آیا به نظر شما هر دوی اینها توانایی این کار را ندارند؟ وقتی آوایی موجب شود که بعد از شنیدن آن احساس آرامش، سبکی و در نهایت پروازی معقول و متکی بر اندیشه به انسان دست دهد می تواند نام موسیقی کامل و بی نقص را بر خود داشته باشد. حال این مقصود هم می تواند از نوای یک سه تار حاصل آید و هم می تواند از آوای یک کنسرت عظیم پانصد نفره. مراد و مقصود رسیدن به «اوست» و این تنها هدفی است که شاید بتواند وسیله را توجیه کند... همانطور که گفتیم ما به هیچ وجه قصد مقایسه بین موسیقی ایران و جهان را نداریم بلکه می خواهیم به نوعی بگوییم این دو نه تنها دو چیز متفاوت نیستند بلکه هر دو از یک واحد و یک اصلند و آن وجه رب است. چون هر دو نوع موسیقی قادرند بر روح و جان انسانها تأثیر بگذارند حال ممکن است در یک نفر تأثیر موسیقی مدرن بیشتر باشد در دیگری این تأثیر در موسیقی کلاسیک بیشتر نمود پیدا کند. مهم این است که محرکی باشد برای ایجاد حرکت به سوی او^۱ و در ادامه برای هنر موسیقی دلسوزی هم می کند که در حق آن ظلم می شود: «طیّ طریقمان سلوکی می باشد که با همیاری، همکاری و همفکری شما عزیزان مستجاب خواهد شد و اما قصد و مقصودمان موسیقی هنری است که به واقع مظلوم واقع شده شاید چون نوای آن اثری بر جان معنی ها نداشته ... به تازگی موسیقی های متنوعی از سیمای جمهوری اسلامی پخش می شود که جای تشکر و خوشحالی دارد ولی چرا آلاتی که این نواهای خوش از آنها ساطع می شوند از سیمای جمهوری اسلامی ایران نشان داده نمی شود و این چه اشکالی می تواند داشته باشد؟ جای سؤال و تعجب و حتی تأسف دارد»^۲

تیترا «موسیقی» در شماره های متعددی به چاپ می رسد که به بررسی، آشنایی و آموزش سازهای موسیقی می پردازد.^۳ در این مورد حتی در مشاوره ها هم به افراد برای کنترل احساسات و بروز آن در کانال درستش، پرداختن به موسیقی سفارش می شود.^۴

۲-۱۴ - موسیقی بانوان نیز یکی از موضوعاتی است که مجله در شماره ی ۸۲ بطور خیلی کمرنگ به آن می پردازد و بیم این می رود که در شماره های بعدی که متأسفانه در دست ما نبود به موضوع بطور

۱ - شماره ی ۴۵.

۲ - در شماره ی ۴۸، صفحه ی ۲۱ نیز به همین اذعان دارد که موسیقی برای رسیدن به خداست.

۳ - شماره های ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۶۱ ... که تا ۶۷ ادامه می یابد.

۴ - شماره ی ۲۰، صفحات ۷ و ۱۲.

جدی پرداخته شود. این مطلب برای اولین بار در قالب پرسشی از خانم پانته آ بهرام (بازیگر سینما) مطرح می شود که: «نظرشان در رابطه با موسیقی بانوان چیست و آیا دوست دارند که روزی برای بانوان بخوانند؟»^۱

۳-۱۴- ترویج رقص: ذیل عنوان «موسیقی درمانی» به مسأله رقص می پردازد و رقصیدن را ترویج می دهد.^۲ مقاله ای با عنوان «حرکات موزیکال» ارائه شده است که به فواید و آموزش رقص در حین گوش دادن به موسیقی پرداخته و رقص را برای تخلیه عواطف و کاهش تنش ها مفید می داند و می گوید با این گونه هماهنگی بین عواطف و هیجانات ابراز احساسات صورت گرفته و ذهن مستعد، فعال می گردد.^۳

۴-۱۴- «انسان تکامل، تناسخ یا رجعت» عنوانی است که از شماره ی ۶۶ آغاز و به مطالب مجله اضافه می شود. همانطور که از تیتراژ این مطلب مشخص است، بحث تناسخ در این مقاله بررسی می شود. یک اشتباه بسیار آشکار در این باب مترادف قرار دادن تناسخ با رجعت در عنوان این مقاله می باشد. ترویج باور تناسخ و همینطور تکامل تدریجی انسان از حیوان انسان نما تا انسان کامل در این مقاله مطرح می شود که اکثراً از اشعار مولوی در تأیید آنها استفاده شده و در آن هیچ سند دینی دیده نمی شود ولی گاهی نویسندگان از قرآن، با تفسیرهای غلط و نا به جا نتیجه گیری کرده و سخن خود را تأیید کرده است.^۴

در این مقاله افراد را از نظر قدرت روحی و شناخت های عقلی در ۴ طبقه بشر، آدم، انسان و انسان اولی قرار داده و می گوید هر روحی نیاز به تکامل دارد و بارها باید به تکامل برسد تا خود را از بشریت به آدمیت و از آدمیت به انسانیت و در نهایت به انسانیت اولی برساند و به همین علت است که هر فردی با روحی تازه زاییده و خلق می شود و هر روحی که برای تکامل با ماده ترکیب می شود و برای تکامل و بهبود بخشیدن به گذشته های خویش به جهان می آید و محیط و جامعه و ... نمی توانند تأثیر چندانی در مسیر تکامل آن به وجود آورند.^۵ از این مطلب استنباط می شود که یک روح آنقدر به دنیا باز می گردد تا به سرحد تکامل برسد. حال این پرسش مطرح است که عذاب الهی که در قرآن و روایات و احادیث ائمه (علیهم السلام) از آن یاد شده است برای افرادی که همگی به تکامل می رسند چه جایگاهی دارد؟ و همین طور وجود این همه پیامبر و اولیای الهی برای راهنمایی بشر چه دلیلی می تواند داشته باشد وقتی محیط و جامعه و ... نمی تواند در این تکامل تأثیر داشته باشد؟

۵-۱۴- شرحی بر داستانهای مثنوی: در ابتدا از داستانهای پند آموز شروع شده و رفته رفته در تأیید سخنان علیرضا امینی در مقاله «انسان، تکامل، تناسخ یا رجعت» بر می آید و به عرفان در مثنوی

۱ - شماره ی ۸۲، صفحه ی ۱۷.

۲ - شماره ی ۷۵.

۳ - شماره ی ۷۷.

۴ - نمونه ای از این تفاسیر نا به جا را در شماره ی ۷۴ (پس از یک مقدمه سازی کامل در رابطه با تناسخ در شماره ی ۷۳) ملاحظه فرمایید.

۵ - شماره ی ۷۵.

می‌پردازد و در تأیید سخنان امینی تناسخ را مورد بررسی قرار می‌دهد. و بعدها نام مقاله از همین نویسنده به «شناخت روح از حقایق حیات و تأثیر آن بر انرژی خلقت از دیدگاه مثنوی معنوی» تغییر می‌یابد.

۱۵- شبهات

شبهات: شبهاتی نیز در میان مطالب دینی، غیر دینی، علمی ... وجود دارد که اشاره به همگی آنها خارج از بحث است. به گوشه ای از این شبهات و هتک حرمتها به ارزشهای دینی که در قالب مطالب دیگر بیان شده است فهرست وار اشاره می‌شود.

۱۵-۱- یکی از مطالبی که در این زمینه حائز اهمیت است تعریف و تمجید از دشمنان اسلام و چهره های منفور و ملعون می باشد که در جای جای مجله زبان در مدح آنها گشوده شده است. چرا در مجله ای که از بیان مطالب مذهبی سر باز زده می شود و از لطمه های وارده توسط این افراد به اسلام سخنی به میان نمی آید به این مطالب پرداخته می شود. (به عبارتی اگر آب نمی آورند کوزه را هم نشکنند). این امر باعث می شود کسانی که اطلاعات کافی و کامل از جنایات این افراد از خدا بی خبر ندارند (که شمارشان بسیار است) دید مثبتی نسبت به این افراد پیدا کنند و رفته رفته چهره های سیاه و منفور آنها در نزد اقشار جامعه به افرادی بی طرف و بعضاً مورد ستایش تبدیل شود. برای نمونه در مقاله ای بدون توجه به قاریان بزرگ شیعه، ابوموسی اشعری یمنی (لعنت الله علیه) را به عنوان یکی از قاریان صحابه ی پیامبر اکرم (ﷺ) که صدای دلنشینی هم داشته است، معرفی می کند.^۱ باز در همین مقاله اشاره به این موضوع دارد که تعریف قاریان قرآن به عنوان یک گروه مشخص و همچنین تأسیس مدارس قرآنی به زمان خلفاء (لعنت الله علیهما) بر می گردد. و یا در صدد توجیه کار دشمنان اسلام برآمده است. متن دیگری وجود دارد که مؤید این نکته است، آنجا که می نویسد: «به نظر می رسد که عمدتاً پسرها مادرهایشان مهمند ولی دخترها پدرهایشان مهمند. (کلی نیست) مادرها تحت شخصیت پدرند یعنی عایشه نمی تواند از ابوبکر جدا باشد. حتی پیامبر نمی تواند این رنگ را پاک کند. البته بعد از جریان جمل عایشه متنبه شد و تغییراتی در او پیدا شد ولی دیر شده بود.»^۲

و همین طور است ستون «دانستنیهای تاریخ تمدن اسلام» که در قسمت ۶-۱۳ به آن اشاره شد.

۱۵-۲- در مورد موسیقی هم باید گفت که به وفور در قالب مطالب دینی به آن اشاره می شود. (برای خواندن مطالبی که صراحتاً به این موضوع می پردازند به بخش ۱-۱۴ مراجعه شود). مطلبی که اینجا مورد نظر است اینست که در قالب مقالات مذهبی نیز به موسیقی پرداخته می شود. «قرآن و عترت» عنوانی است که شاید بتوان آنرا در کارنامه ی مذهبی مجله قرار داد ولی در بطن همین عنوان، مطلبی

۱ - شماره ی ۶۰، صفحه ی ۹. که در این صفحه به اینگونه مطالب زیاد پرداخته است.

۲ - شماره ی ۴۰، صفحه ی ۶۲.

به چشم می خورد که می گوید قرائت هر مکانی، از موسیقی محلی آنجا گرفته شده است. و واقعاً جای پرسش است که چرا به هر طریقی می خواهند موسیقی را خوب و پسندیده جلوه بدهند؟ از طرفی مگر قرائت قرآن در زمان پیامبر (ﷺ) برگرفته از موسیقی عربستان بوده است؟ و نعوذ بالله پیغمبر و ائمه معصومین (علیهم السلام) که بارها نقل شده است از خواندن قرآن لذت می بردند از آهنگ موسیقایی آن لذت می بردند؟ و اصلاً لذت از شنیدن قرآن در آهنگ موسیقایی آنست یا در الفاظ و کلمات آن؟ و در جای دیگر نیز این مطلب آشکار است آنجا که می گوید: «**قرائت قرآن همان اثری را می تواند بگذارد که یک موسیقی خوب می گذارد**»^۱. مطلبی با عنوان مقامات موسیقی در قرآن مجید به چاپ می رسد که به بیان بکارگیری نغمه های مختلف در هنگام تلاوت قرآن می پردازد.^۲ و همینطور قرائت قرآن را برگرفته از موسیقی محلی نواحی مختلف اسلامی می داند.^۳

۳-۱۵- یکی از مطالبی که در مجله بسیار تکرار شده است اینست که در مورد موضوعی به سخن ائمه اطهار (علیهم السلام) تمسک می شود ولی نکته‌ی قابل توجه آن است که سخن ائمه اطهار (علیهم السلام) را در ذیل سخن دیگران قرار داده و به سخن دانشمندان و اندیشمندان غیر اسلامی و بعضاً بزرگان پیروان سقیفه نسبت به سخن ائمه (علیهم السلام) ارجحیت داده می شود.^۴

و در همین باب بعضاً سخنان هجو و جملات به اصطلاح قصاری به چاپ می رسد که خارج از باورهای دینی می باشد و معمولاً در این هنگام منبع و یا گوینده مطلب معرفی نمی شود. شماره‌ی ۲۸ را ملاحظه نمایید برخلاف شماره های قبلی که با ذکر نام گوینده جملات او را چاپ می کرد، در این شماره صاحبان سخن مشخص نیستند.

۴-۱۵- در بعضی از شماره‌ها تمام احادیثی که به چاپ رسیده است از حضرت رسول اکرم (ﷺ) می باشد که جای تأمل دارد.^۵

۵-۱۵- در جای جای مجله به خوبی دیده می شود که طیّ مطلبی سخن و یا حدیثی از ائمه (علیهم السلام) صراحتاً تحریف می شود و یا سخنی از یک شخصیت غربی یا حتی یک نویسنده‌ی مسلمان بیان می شود که متضاداً با حدیث ائمه اطهار (علیهم السلام) است.

برای مثال در جایی آمده است که: «**به نظر ما برای داشتن ارتباط صحیح و درست با دیگران باید آن طور رفتار کنیم که دوست داریم با ما رفتار کنند. در حالی که واقعیت خلاف اینست. واتسون می گوید: اگر با یک سوّم مردم دنیا طوری رفتار کنیم که دوست داریم با ما رفتار شود، دچار مشکلات فراوانی می شویم. پس لازم است این قانون را تغییر دهیم و بگوییم، با**

۱ - شماره‌ی ۶۱، صفحه‌ی ۹.

۲ - شماره‌ی ۴۸.

۳ - شماره‌ی ۶۰.

۴ - سند این مطلب را در شماره‌ی ۵۲، صفحه‌ی ۶۹؛ شماره‌ی ۳۳، صفحه‌ی ۷۱ و شماره‌ی ۳۴، صفحه‌ی ۳۱ که سخن پیامبر (ﷺ) در ذیل تمامی سخنان و حتی کلام یکی از مخالفان (لعنت الله علیهم) ذکر شده است، می توان یافت.

۵ - شماره‌ی ۲۲.

دیگران آن طور رفتار کنیم که دوست دارند با آنها رفتار شود.^۱ این مطلب دقیقاً خلاف حدیث امام حسن مجتبی علیه السلام می باشد که می فرمایند: با مردم آنطور رفتار کنید که دوست دارید با شما رفتار کنند.

۱۵-۶- بزرگنمایی اشخاص و فعالیت‌های آنان در حدّ معصومین و به کار گرفتن الفاظ و القابی که تنها در شأن و مقام معصومین علیهم السلام است برای دیگران. برای نمونه رزمندگان اسلام را به رزمندگان عاشورا تشبیه می کند و آیت الله خمینی را به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله^۲. تشبیه کردن جنگ ایران و عراق را به عرصه کربلا و رزمندگان را به رزمندگان و اصحاب امام حسین علیه السلام و پرستاران را به حضرت زینب علیها السلام.^۳

۱۵-۷- در مقاله ای با عنوان «زنان، مدیران فرهنگ بهره وری» در صدد ترویج مشاغل خارج از خانه برای زنان است و بیان حقوق مساوی برای زن و مرد می باشد. و همینطور در همین شماره داستانی از زنان حاضر در جبهه بیان می شود.^۴

۱۵-۸- تشویق به تفسیر و ترجمه‌ی قرآن کریم: در متنی این گونه آمده است: «تحقیقات به عمل آمده در این زمینه نشان می دهد که آیات همراه با معنی، آسانتر از موقعی که بدون ادراک و معنی باشند حفظ می گردند. هر گاه قبل از حفظ آیات به معانی آن توجه شد، فراگیر خواهد توانست بین آیات رابطه ای معنوی برقرار نماید. این رابطه معنوی یک پیوستگی ذهنی به وجود می آورد و این پیوستگی ایجاد نظم و ترتیب ادراکی را پدید خواهد آورد. لذا حفظ آیات دارای یک ریتم لغوی و معنوی خواهد شد.»^۵

۱۵-۹- بارها در مجله دیده می شود که برای تغییر احکام نیز تلاش شده است. برای مثال در شماره‌ای سنّ تکلیف و بلوغ را برای دختران تغییر داده و سعی در اشاعه این مطلب در ذهن عموم را دارد. در این شماره سنّ بلوغ برای دختران ۱۱ سال و برای پسران ۱۳ سال بیان می شود بدون بیان هیچگونه شرط و علائم دیگر.^۶ پیش از این در بخش مشاوره نیز بیان شد که سنّ بلوغ به طور متوسط بین سالهای ۱۱ تا ۱۸ سالگی است.^۷

۱ - شماره‌ی ۴۷، صفحه‌ی ۵۵.

۲ - شماره‌ی ۸۳.

۳ - شماره‌ی ۲۴.

۴ - شماره‌ی ۲۴.

۵ - شماره‌ی ۴۲، صفحه‌ی ۷۰. و همینطور شماره‌ی ۷۰ ... از این قسم است.

۶ - شماره‌ی ۷۷.

۷ - شماره‌ی ۲۰.

داستانها: در مورد داستانهایی که در مجله به چاپ رسیده است می توان به مطالب ذیل اشاره کرد:

۱۶-۱- بعضی از داستانهای دنباله دار در مجله به پایان نمی رسد و در اواسط داستان، ادامه آن متوقف می شود. علت این امر چه می تواند باشد؟ داستان «بر بال عشق»^۱ و همچنین «لم شیر بک»^۲ که داستانی برای کودکان است نمونه هایی از این مورد می باشند.

۱۶-۲- بعضی از داستانهای مجله نیز می تواند پیامدهای بسیار بدی برای خواننده داشته باشد که در حین داستان علیرغم غیر واقعی بودنش دست به آموزش منکرات می زند. متن این داستانها را می توانید در آدرسهای ذیل ملاحظه نمایید.

۱۶-۲-۱- برادر داماد: داستان شخصی که در شب عروسی به علت بزهکاری به دست پلیس دستگیر می شود و بجایش، برادر او با دختر مورد نظر ازدواج می کند.^۳

۱۶-۲-۲- در مجله داستانی خارجی به چاپ رسیده است درباره زنی که دو برادر، از وی خواستگاری کرده اند و با یکی از آنها ازدواج کرده است و سالیان سال در فکر برادر دوم بوده است. در داستان آمده است که زن می گوید هیچ وقت مطمئن نبودم که در ازدواج انتخاب درستی کرده باشم.^۴

۱۶-۲-۳- همینطور داستانی خارجی چاپ شده است که بیشتر ترویج دزدی و توجیه کردن این کار است.^۵

۱۶-۳- ترویج ادیان و افکار غیر شیعی در ضمن داستان: در مجله داستانی به چاپ رسیده است که عقاید مسیحیت را ترویج و همچنین معجزات حضرت مریم را بیان می کند.^۶ و همین طور بارها دیده می شود که فرهنگ و رسوم غرب را در قالب ادبیات ایرانی و خارجی به مردم می رسانند.^۷

۱۶-۴- بیشتر داستانهای مجله به ویژه در شماره های اولیه آن داستانهایی در رابطه با مسائل و مشکلات ازدواج و نوعاً در رابطه با طلاق و جدایی می باشد.^۸

۱۶-۵- بیشتر داستانهای مجله ناامیدی و ترس از آینده را در دل مردم ایجاد می کند.

۱ - داستان از شماره ۲۳ شروع می شود.

۲ - داستان از شماره ۳۱ شروع می شود.

۳ - شماره ۴۷.

۴ - شماره ۲۳.

۵ - شماره ۲۵.

۶ - شماره ۴۰، صفحه ۲۷.

۷ - همچنین است یک داستان یا خبر که در شماره ۲۰، صفحه ۱۶ می توانید مطالعه کنید.

۸ - شماره ۲۳ ...

۱۶-۶- بسیاری از داستانها نیز داستانهایی بی محتوا و بی نتیجه و بدون نکات آموزنده هستند که بی هدف و نا هماهنگ با مطالب به چاپ می رسند و برخی نویسندگانشان بسیار کم تجربه بوده و قلم شیوایی ندارند.

۱۶-۷- چاپ داستانهای ضدّ دینی در مجله: برای نمونه «داستان اولین نماز» داستان شخصی است که نماز نمی خواند و خداوند به او کمک می کند که بتواند دروغ بگوید و نماز نخواندن خود را کتمان نماید.^۱

۱۶-۸- در قصّه‌های کودکان بسیار دیده می شود که باورهای نادرستی را به آنان القا می کنند. برای مثال قصّه‌ی «کرم جادو» تصویری از رشد و بالندگی دین و سپس نابود شدن آن در برابر علم و نسل جدید را برای کودکان به صحنه می کشاند.^۲ و همچنین یک داستان جهت دار دیگر به نام «ماهی طلایی»^۳ ...

۱۷- زندگی نامه و بیوگرافی

زندگی نامه: در مجله قسمتی برای بررسی زندگی نامه‌ی مشاهیر است. مشاهیری که در این بخش مورد توجه مجله است را با هم مرور می کنیم:

۱۷-۱- موسیقیدانان بزرگ جهان: با عنوان «مردانی از جنس تنهایی»، به گوشه ای از زندگی موزارت، بتهوون، براهمز می پردازد.^۴ همچنین به زندگی آهنگ ساز روسی، ایگور استراوینسکی پرداخته می شود.^۵ و نیز به زندگی واگنر می پردازد^۶ ...

۱۷-۲- قاریان قرآن: قاریان قرآنی که در مجله به ذکر گوشه ای از زندگی نامه‌ی آنها پرداخته شده است تماماً از پیروان سقیفه هستند: ۱- استاد راغب مصطفی غلوش^۷، ۲- مصطفی اسماعیل و شیخ ابوالعینین شعیش^۸، ۳- محمود خلیل الحصری^۹ ...^{۱۰}

۱۷-۳- پرداختن به زندگی نامه کارگردانان معروف جهان که سبکها و ادیان و عقائد مختلفی دارند و همگی غیر مسلمان هستند: ۱- ویلیام فربدکین - آمریکایی^۱ ۲- اورسن ولز - آمریکایی^۲ ۳- رنه کلمر -

۱ - شماره‌ی ۲۹، صفحه‌ی ۶۵

۲ - شماره‌ی ۳۰.

۳ - از شماره‌ی ۳۵ شروع می شود.

۴ - شماره‌ی ۴۷.

۵ - شماره‌ی ۴۸.

۶ - شماره‌ی ۵۲.

۷ - شماره‌ی ۴۷.

۸ - شماره‌ی ۵۳.

۹ - شماره‌ی ۶۳.

۱۰ - این روند تا شماره‌ی ۶۷ ادامه دارد.

فرانسوی^۳ -۴ فردریکو فلینی^۴ -۵ ژان رنوار که به گفته نویسنده همیشه فرهنگ فرانسوی را به یدک می کشد و او هیچگاه پایش را از فرهنگ کشورش بیرون نگذارده و همیشه به آن وفادار است^۵ ...^۶

۱۷-۴- بیوگرافی بازیگران معروف سینمای خارج از ایران.^۷

۱۷-۵- در بعضی از شماره های مجله دیده می شود که بیوگرافی و خلاصه ای از زندگی به همراه عکس کسانی که برای مجله آن مطلب را فرستاده اند به چاپ می رسد.^۸

۱۷-۶- پرداختن به زنان مشهور: ژاله قائم مقامی. شاعری که در تمام سروده هایش نومیدی و غم و غصه موج می زند.^۹

۱۷-۷- بیوگرافی فوتبالیست های خارجی: در چندین شماره از مجله به بیوگرافی فوتبالیست های خارجی پرداخته می شود.^{۱۰}

۱۷-۸- معرفی و شناسنامه گروه های موسیقی و نمایشی و یا ورزشی: معرفی گروه بهار - گروه موسیقی و نمایشی.^{۱۱} معرفی گروهی به عنوان فاتحان بام جهان در چند شماره^{۱۲} ...

۱۸- نویسندگان

درباره نویسنده گان: به بحث مهم اشخاص نیز اشاره ای کوتاهی می کنیم:

۱۸-۱- موضوعی که مورد توجه است این است که در مجله هیچ کس در جای خود سخن نمی گوید. اگر به تخصص هر نویسنده دقت شود دیده می شود که هر کسی در مقام شخص دیگری به راحتی دست به قلم برده و شروع به صحبت می کند. یکی از این اشخاص که بسیار انسان کم اطلاعی است آقای علیرضا امینی می باشد که کارشناس روانشناسی هستند. یک روانشناس که در باب موسیقی (مطلب موسیقی درمانی از همین شخص است) سخن می گوید و رقص و فحشا را علناً ترویج می کند،

۱ - شماره ی ۴۸.

۲ - شماره ی ۴۹.

۳ - شماره ی ۵۱.

۴ - شماره ی ۵۲.

۵ - شماره ی ۵۳.

۶ - این روند تا شماره ی ۶۴ ادامه دارد.

۷ - شماره های ۳۴، ۵۶ ...

۸ - شماره ی ۴۹؛ شماره ۵۳، صفحه ۱۲ ...

۹ - شماره ی ۵۲. همچنین شماره ی ۵۳ ...

۱۰ - شماره های ۵۶، ۵۷، ۵۸ ...

۱۱ - شماره ی ۸۲

۱۲ - شروع از شماره ی ۳۹

در فوائد قرآن هم مقاله می نویسد و اظهار نظر می دارد: هر کسی می تواند بدون تعصب قرآن را تفسیر کند.

نویسندگان دیگر مانند خانم جوشقانی که در ابتدا فقط برای مجله عکس تهیه می کرد (عکاس) در شماره های بعدی مقالات علمی برای مجله تهیه می کند. یا خانم شادی که در ابتدا گزارشگر مجله بودند و تنها به مصاحبه با افراد متعدّد می پرداختند پس از چندین شماره سمّت ایشان تبدیل شد به داستان نویس؛ و داستانهای منجر به طلاق و جدایی و یا داستانهایی که بیانگر انتخابی اشتباه در ازدواج بود توسط ایشان نوشته می شد. همچنین خانم فاطمه شعبانی ورکانی عکاس مجله نیز، هم مقاله می نویسد و هم گزارش تهیه می کند. و ...

۱۸-۲- استفاده از نویسندگان بی اطلاع، نویسندگانی با ادیان و مذاهب مختلف و برخی مخالف اسلام، در تهیه مقالات و نوشته ها. آقای علیرضا امینی یکی از همین نویسندگان است که مقالات «موسیقی درمانی»، «با قرآن از ریشه تا ...» و «انسان، تکامل، رجعت یا تناسخ» را می نویسد. آیا متون عمیق و گسترده دینی را باید یک کارشناس روانشناسی بنویسد؟! در مقالاتی چون «انسان تکامل و تناسخ» آیات قرآن را تفسیر به رأی کرده^۱ و در بیشتر مقالات او تحریف و مطالب ضدّ دینی آشکار است. ترویج موسیقی، شخصیت شناسی از روی خط و نقاشی و امضا و ... وحدت وجود و تناسخ مطالبی است که زیاد به آن می پردازد.

آقای مرتضی مجیدی کارشناس علوم اجتماعی، نیز عقایدی بسیار شبیه به علیرضا امینی دارد (که در باب تناسخ و تکامل تدریجی انسان سخن می گوید) مقالات مربوط به هیپنوتیزم از دست نوشته های ایشان است. نویسندگان نامبرده در مقالات خود خواندن مقالات یکدیگر را توصیه می کنند.^۲

۱۹- مطالب فرهنگی:

۱- ۱۹- پرداختن به فرهنگ و سنتهای رایج در اقوام و فرق گوناگون که در برخی از آنها رسوم و باورهای غلط اقوام معرفی می شود. مانند انواع موسیقی مخصوص محلی، رقصها، باورهای نادرست آنها صراحتاً و یا در غالب شعر و ضرب المثل ها به چاپ می رسد.^۳

۱۹-۲- پرداختن به رسوم و مناسبت های غیر مذهبی و پاره ای مخالف دین و مذهب که در میان اقشار مختلف مردم رواج دارد و همینطور پرداختن به اعیاد و مناسبت های غیر دینی و غیر ملی:

۱- عید نوروز که طبق خود مقاله اساس آن به ایران باستان و زردشت باز می گردد.^۴

۲- چهارشنبه صوری.^۵

۱ - برای نمونه شماره ۷۳.

۲ - شماره ۷۸، صفحه ۷۳.

۳ - شماره های ۳۲، ۳۴؛ شماره ۷۹ صفحه ۷۶ ...

۴ - شماره ۶۴.

۵ - شماره ۶۴.

۳- جشن روز اول ماه باسیاخ در کشور بنگلادش.^۱

۴- کریسمس.^۲

۵- جشن مهرگان: ترویج یک جشن زردشتی؛ و در انتهای این مطلب ذکر می شود که «ما نیز امید آن داریم که این جشن ملی همچنان که در ایران باستان هم‌تراز نوروز بود، در آینده همپایه نوروز در گستره ایران پهناور در بین پارسی زبانان برگزار گردد و به اینگونه جشن ها و آیین های ملی و آرمانی نگرشی ژرف شود.»^۳

۳-۱۹- اخبار و حوادث جهان - انتخاب و دسته بندی این اخبار بسیار بی دقت انجام می شود. در بیشتر آنها نکات مفید و آموزنده ای رؤیت نمی شود. اکثر خبرها مربوط به جنایات و بزهکاری های داخلی و برخی جنایات خارجی است.

۴-۱۹- طنز خانه: این بخش بیشتر به مسائل فقر و بیکاری و در برخی به ازدواج اشاره می کند.

۲۰- متفرقه

متفرقه: مطالب دیگری در مجله وجود دارد که به نوبه خود جای بررسی و مطالعه دارد.

۱-۲۰- در بخشی از مجله، قسمتی از کتاب «لانه جاسوسی آمریکا» نوشته شده است. ناشر به خاطر اینکه از این واقعه چیزی جز اسم لانه جاسوسی و دانشجوین خط امام نمانده است ابراز تأسف می کند و خلاصه مسأله را در حدّ یک واقعه فوق العاده بزرگی معرفی کرده و به آن می پردازد.^۴ و جای تأسف برای نویسندگان و مجله است که این همه مسائل دینی و مذهبی و باورهای درست شیعه و وقایع تاریخ ساز اسلامی در حال فراموشی است و بعضاً همان نام و نشان نیز از آن ها به جا نمانده است، وجود دارد که هرگز به آنها پرداخته نمی شود و شاید قصد مجله از چاپ این مطلب اینست که مطالبی از این گونه را بسیار مهم تر و حسّاس تر از مسائل دینی و مذهبی جلوه دهد.

۲-۲۰- در مقاله ای، سخنی از «پاتریس بوشاردن» در ذیل عنوان «غیبگویی درختان» نوشته شده است که «هر نوع درختی نیروی متفاوتی دارد و متوجه شدم هر درخت انرژی درونی خاصی پخش می کند. برای احساس شادی به درخت گیلاس نزدیک می شوم، برای رفع خستگی به سراغ درخت کاج می روم و برای غلبه بر تردید به درخت زان نزدیک می شوم...». این سخن در ابتدا سخنی مطلوب و جالب و بدون عیب به نظر می آید ولی وقتی در آن دقت می شود، از این گونه مطالب این نکته بدست می آید که نویسنده، عمداً یا سهواً قصد دارد هر چیزی را بهانه نماید تا

۱ - شماره‌ی ۶۴

۲ - شماره‌ی ۶۴

۳ - شماره‌ی ۷۷

۴ - شماره‌ی ۸۲، صفحه‌ی ۷۰.

انسان را از یاد خدا و دست مشگل گشای او دور نماید. و خلاصه همه چیز برای دوری از یاد خدا به کار می آید و نهایتاً فکر را از یاد او غافل می کند. این مطلب نیز در قصه‌ی کودکان و انواع داستانها و حتی خارج از مجله در فیلمها و کارتونها به چشم می خورد که درست در آخرین لحظه و در عین ناامیدی و بدترین شرایط، و در زمانی که امید از همه جا قطع شده است شخصیتی فریاد رس وجود دارد و برای رسیدن به مقصد و هدف به شخصی دیگر کمک کرده و حالت نومیدی او را به امید تبدیل می کند. و در حقیقت تنها کسی که در رفع این مشکلات دست ندارد وجود اقدس باری تعالی است.

۳-۲۰- نکتہ‌ی دیگری که در تمامی مقالات و مطالب وجود دارد اینست که مطالب علمی و تجربی نسبت به مطالب دینی بسیار برتری داده می شود. در بیشتر مقالات، مطالب با استناد به علم روز بشری، روانشناسی، اخلاقیات و آداب و رسوم غربی و خلاصه تمام زمینه ها غیر از زمینه اسلامی و مذهبی بیان می شود. اگر هم جایی به روایت یا آیه ای رجوع شود به یقین برای جامعیت بخشیدن و سندیت دادن به مقاله مربوطه است و نه اینکه حول حدیث یا روایت بحث شود و گفته شود که تجربیات و علم نیز به این مطلب رسیده است. برای نمونه در مجله مقاله ای با عنوان «باورم نمی شود اینطور گفته باشم» چاپ شده است^۱ که به آداب سخن گفتن می پردازد و جای تأسف بسیار دارد که نویسنده‌ی این متن کتی برچ جانسون است و این درحالی است که متون دینی ما سرشار از اینگونه آداب و اخلاقیات است.

۴-۲۰- تعریف و تمجید از دکتر علی شریعتی.^۲

۵-۲۰- یکی از مسائلی که زیاد به آن در مجله پرداخته شده است، مسئله‌ی زیبایی است. مقالاتی در رابطه با جراحی پلاستیک، ظاهر پوست و مو، انواع آرایش کردن و گریم ... زیاد دیده می شود. حتی در زمینه های خبری هم به این موضوع پرداخته می شود. تبلیغات بازرگانی به چاپ رسیده در مجله نیز همگی تنها در بردارنده همین موضوع هستند. چندین مقاله نیز در رابطه با جراحی پلاستیک به چاپ رسیده است که همگی در ترغیب و تشویق به این امر می باشند و در آنها به هیچ وجه از معایب و پیامدها و عوارضی که می تواند از این عمل پدیدار شود سخنی به میان نمی آید.^۳

۶-۲۰- معرفی مکاتب مختلف : تشریح رئالیسم.^۴ در همین راستا نیز مطالب بسیاری از نویسندگان و شعرای روس به چاپ می رسد. و حتی در چندین شماره به بیوگرافی مشاهیر ادبی روسیه پرداخته اند. همچنین به بیوگرافی شاعری مکزیکی و عقاید او می پردازد.^۵

۱ - شماره‌ی ۳۴.

۲ - شماره‌ی ۴۸.

۳ - برای نمونه شماره‌ی ۳۰.

۴ - شماره‌ی ۵۳، شماره‌ی ۱۷.

۵ - شماره‌ی ۳۶.

۲۰-۷- بخشی در مجله در رابطه با اشعار منتخب یا اشعار ارسال شده توسط خوانندگان مجله وجود دارد که در آن این اشعار از لحاظ محتوایی به دو دسته تقسیم می شوند. (بجز شماره هایی که با مناسبت‌های خاصی مصادف می شود و اشعاری در رابطه با همین مناسبت به جمع اشعار افزوده می شود) ۱- اشعار عاشقانه - که در وصف یک عشق زمینی، غم فراق و یا شوق وصال سروده شده است. ۲- غمناک و مأیوسانه که شاعر از تمام زمین و زمان نا امید است و هیچ امیدی به ادامه‌ی زندگی ندارد. اشعار منتخبی که از شعرای بزرگ و قابل‌ی به چاپ می رسد نیز با همین محتوا گلچین می شود.

۲۰-۸- در چندین شماره در بخش معرفی چهره های سینمایی به بررسی روابط بین این افراد پرداخته می شود. در جایی روابط زناشویی بین بازیگران مطرح شده^۱ و در شماره ای دیگر روابط نسبی بین مشاهیر سینما بیان می شود.

۲۰-۹- قسمتهایی از مجله که به مقالات و مطالب سینمایی اختصاص داده می شود بسیار زیاد است. بطور کلی تمام نقدهای مجله مربوط می شود به نقد سینمایی که معمولاً یک فیلم یا سریال را مورد نقد و بررسی (غیر حرفه ای) قرار می دهد و در برخی به نقد خود موضوع سینما پرداخته می شود. گزارشی در رابطه با موزه‌ی سینما نیز به چاپ رسیده است.^۲ الفبای فیلم نیز یکی از بخشهایی است که سعی دارد در چند خط هنر سینما را به مخاطبان بیاموزد. بیوگرافی نیز اگر به خوانندگان و مشاهیر موسیقی مربوط نباشد حتما در رابطه با یکی از چهره های سینمایی است (داخلی است یا خارجی). اخبار سینمایی نیز فراوان است.

۲۰-۱۰- پرداختن به مسائل و جوامع دیگر: پرداختن به مسائل سیاسی فلسطین و حماس.^۳ شعری در رابطه با فلسطین.^۴ متنی در رابطه با همدردی با مردم بوسنی.^۵

۲۰-۱۱- نگاهی به همایش دختران جوان - بررسی ملاکهای ازدواج که تماماً مسائل دنیوی و مادی هستند.^۶

پرسش و پاسخ - قرار دادن سن بخصوص برای ازدواج - اشاره به رابطه‌ی دختر و پسر قبل از ازدواج، در دوران نامزدی.^۷

۲۰-۱۲- معرفی و خلاصه‌ی کتابهای رمان.^۱

۱ - شماره‌ی ۵۲.

۲ - شماره‌ی ۳۷.

۳ - شماره‌ی ۸۱.

۴ - شماره‌ی ۸۲.

۵ - شماره‌ی ۴۰.

۶ - شماره‌ی ۸۴.

۷ - شماره‌ی ۴۰.

۱۳-۲۰- ایجاد اضطراب و تشویش برای امتحان آخر سال در جرائد و رسانه ها.^۲

۱۴-۲۰- ایجاد زمینه برای فرزند پذیری و حل مشکلات بهزیستی.^۳

۱۵-۲۰- تبلیغات بسیار زیاد، گزارش و متون فراوان در رابطه با اوقات فراغت و گرفتن مجال اندیشه از مردم با پر کردن اوقات فراغت آنان.^۴

۱۶-۲۰- مطلبی در مجله با عنوان «برنامه های ویرانگر تلویزیون» جلب توجه می کند که نقدی بر برنامه های غیر اخلاقی تلویزیون لبنان است. و گفتنی می باشد که نقدهایی که ذکر می شود بر تلویزیون ایران نیز وارد است.^۵

۱۷-۲۰- در مقاله ای با نام «عوامل نفوذ بر دیگران (جذابیت)» اینگونه بیان می شود که «ما معمولاً با کسانی خوب ارتباط برقرار می کنیم که در نگرش ها و ارزشها و یا اعتقاد/امان متوجه شباهتهایی بشویم. ولی اگر افرادی از نظر ما بسیار کامل باشند نسبت به او احساس ناراحتی و ترس می کنیم زیرا شباهتی بین خود و او نمی بینیم و همین مسأله از جذابیت های یک فرد بسیار کامل می کاهد. اما اگر فردی شایسته و باهوش نقطه ضعف اخلاقی از خود نشان بدهد در مقایسه با وقتی که کامل به نظر می رسد، جذاب تر است و بیشتر مورد لطف و محبت دیگران قرار می گیرد.» این مطلب در واقع ترویج ضعف اخلاقی است.^۶

در خاتمه باید بیان کنیم که هر چقدر در چاپ مطالب مذهبی از جانب مجله کوتاهی شده و در نوشتن آنها ضعف نشان داده شده است، در جمع آوری مطالب ضدّ دینی و شبّهات و خرافات موفق بوده و کاستی مطلب را جبران نموده است. اگر نخواهیم بگوییم مجله در کل سر عناد با مسائل دینی دارد باید گفت که مشخصاً در مطالب چاپ شده هرگز دقت لازم وجود ندارد و مطالب بدون فیلتر به چاپ می رسد.

خدایا گمراهان و دور افتادگان از راهت را به راه راست هدایت فرما و آنان را که به هر شکل و در هر صورتی با دین به عداوت و دشمنی می پردازند از صفحه روزگار حذف و عذابشان را روزافزون فرما.

اللّهم عجل لولیک الفرج.

۱ - برای نمونه شماره ۳۹.

۲ - شماره ۱۷.

۳ - شماره ۱۷.

۴ - شماره ۲۳.

۵ - شماره ۳۴.

۶ - شماره ۲۲.